

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۹۱۱

جمعه ۲۲ اسفند ۱۳۹۹ - ۱۲ مارس ۲۰۲۱

انزوای سیاسی جمهوری اسلامی در منطقه

شهاب بهرامی

روز چهارشنبه "آنتونی بلینکن" وزیر امور خارجه آمریکا در واکنش به گزارشات مربوط به آزادسازی پول های بلوکه شده ایران اعلام داشت چنین خبری صحت ندارد و تا برگشتن کامل جمهوری اسلامی به تعهدات کامل برجامی، صحبتی از آزاد سازی پول و برداشتن تحریم ها نخواهد بود. هفته گذشته "وندی شرمن" از مسئولین بلند مرتبه وزارت امور خارجه آمریکا نیز تاکید کرده بود که جو بایدن هرگز به برجام سابق باز نخواهد گشت. اولین شرط آمریکا علیرغم ابراز نظرهای رسمی برای بازگشت کامل ایران به برجام، نه عقب نشینی از تولید انرژی هسته ای بلکه در وهله اول جمع کردن کامل نیروهای نیابتی و تروریستی اش در منطقه است که به معنی جام زهر دیگری برای رژیم تهران خواهد بود و البته رژیم ایران بنا به دلایل متعددی زیر بار این موضوع نخواهد رفت. از این زاویه، انعکاس جهت گیری قابل انتظار دیپلوماسی خارجی دولت آمریکا در ادامه سیاست "فشار حداکثری" ترامپی در خاورمیانه و به ویژه در رابطه با ایران و کشورهای حوزه خلیج و نتایج ادامه سیاست ترامپیستی بایدن در این زمینه قابل توضیح است.

پس از عادی سازی روابط دیپلوماتیک اقتصادی دولت اسرائیل با سودان اسلامی و دولت امارات و عقد قرارداد مشهور به "صلح ابراهیم" با این شیخ نشین پر قدرت خلیج و متعاقبا عادی سازی روابط سیاسی با بحرین و نزدیکی اسرائیل به کشورهای دیگر عربی منجمله مصر و عربستان، حلقه محاصره بدور رژیم ایران تنگ تر گشته لذا ایجاد "اتاقی عربی" نه در مقابله با اسرائیل بلکه در تقابل با سیاست های منطقه ای جمهوری اسلامی به طور جدی در شرف شکل گیری است.

از طرف دیگر دولت ترکیه در تلاش است تا رابطه خود با مصر را که بعد از سقوط دولت مرسی به سردی گرایده بود بهبود بخشیده و از این طریق روابط خود را با عربستان که بدلیل قتل "جمال خاشقجی" تیره شده بود عادی سازد. روزنامه "مشرق نیوز" به نقل از شبکه های العربیه و الجزایر از اعزام نیروهای نظامی دولت ترکیه به یمن خبر داده است تا این نیروها



۸ مارس روز اعتراض سراسری، روز جنبش رهایی زن گرامی باد

شماره صفحه:

در این شماره انترناسیونال:

- ۴ و ۱ انزوای سیاسی جمهوری اسلامی در منطقه. شهاب بهرامی
- ۴ و ۳، ۲ کمونیسم کارگری و جنبش رهایی زن. حمید تقوای
- ۶ و ۵ در یک سالگی هیاهویی پوچ. سیامک بهاری
- ۶ درد را می شناسیم. سیاوش مدرسی
- ۷ اعتراضات حکومتی در لبنان اوج می گیرد. محمد شکوهی
- ۹ و ۸ ناسیونالیسم، سرمایه داری و ملت. کاظم نیکخواه
- ۱۰ چهار دهه مبارزه دانشجویان مقابل حکومت زن ستیز. امیر عسگری
- ۱۴ و ۱۳، ۱۲، ۱۱ اطلاعیه ها حزب

می دهد که پیروزی ترکیه در ارمنستان و لیبی نباید دولت ترکیه را به این اشتباه محاسباتی سوق دهد. و بالاخره روز پنجشنبه ۱۱ مارس اوج حقارت سیاسی جمهوری اسلامی نمایان می شود. نشست کشورهای روسیه و ترکیه و قطر بدون

حوثی ها به خاک عربستان شده بود.

بنظر می رسد آنچه بیشتر از هر چیزی باعث خشم رژیم ایران است همین پست تویتری رجب سویلو است. مشرق نیوز می نویسد، "جمهوری اسلامی حضور اردوغان در یمن را خطای محاسباتی می داند" و ادامه

در کنار نیروهای ائتلاف به رهبری عربستان سعودی، علیه نیروهای حوثی که مورد حمایت ایران است بجنگند. هفته گذشته "رجب سویلو" سخنگوی وزارت امور خارجه ترکیه در پست تویتری از نگرانی عمیق ترکیه از حملات شورشیان حوثی به تاسیسات نفتی عربستان گفته بود و خواستار پایان فوری حملات

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی

ادامه در صفحه ۴

کمونیسم کارگری و جنبش‌رهای زن

این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است



که مناسبتی با تاریخچه چپ و سوسیالیستی است کاملاً در جامعه تثبیت شده است.

این نشان می‌دهد تلاش‌هایی که می‌خواهند جنبش‌رهای زن را تحریف کنند و به بیراهه دفاع از سلطنت و یا از اسلام بکشاند در یک مقیاس گسترده اجتماعی کنار زده شده است.

هشت مارس با جنبش کارگری و جنبش سوسیالیستی تنیده است. هشت مارس روزی است که پرچم‌رهای زن را جنبش کارگری بلند کرد و این روز بوسیله سوسیالیست‌ها به عنوان روز جهانی زن اعلام شد. استقبال جامعه از این روز شاخص دیگری از گسترش‌گفتمانها و نقد و اعتراض رادیکال و چپ در جامعه است.

در ایران امروز از همان آغاز روی کار آمدن رژیم اسلامی هشت مارس روز اعتراض به زن ستیزی حکومتی از یک زاویه چپ و رادیکال بوده است. بویژه امسال علیرغم مساله کرونا و بازداشت‌ها و سرکوبگری‌های جمهوری اسلامی ما شاهد فعالیتهای

گسترده‌ای بودیم و این را باید یک گام بزرگ به پیش دانست. گامی به پیش نه تنها در جنبش‌رهای زن بلکه در جنبش توده‌ای برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی.

خلیل کیوان: علاوه بر فعالیتهای گسترده‌ای که در جامعه صورت گرفت حزب هم امسال بسیار فعالتر از گذشته بود. چه فعالیتهای میدانی در ایران و در خارج کشور و چه فعالیت در مدیای اجتماعی نظیر کلیپها و بیانیه‌ها و سمینارها و میزگردها و غیره. آیا حزب فعالتر شده است و یا این ناشی از جو عمومی در جامعه است؟

حمید تقوایی: گسترش فعالیتهای حزب ناشی از هر دو فاکتور است. از یک طرف جامعه مدام رادیکالتر و معترض‌تر میشود. بخش هر چه وسیعتری از مردم بیدان

حمید تقوایی: به نظر من هشت مارس امسال کاملاً از سالهای گذشته متفاوت بود. به این معنی که میشود گفت روز جهانی زن در ایران به یک روز اعتراض سراسری و جشن عمومی و توده‌ای تبدیل شده است. علاوه بر فعالیتهای که شما ذکر کردید باید از جمله به پیامهای مادران دادخواه و مادران قربانیان اسید پاشی و همچنین خانواده‌های قربانیان سقوط هواپیما که پیام و کلیپ تکانه‌دهنده و کوبنده‌ای منتشر کردند اشاره کنم. جمعهای مدافع حقوق زنان در سنجق و سقز نیز در قطعنامه‌های روشن و رادیکالی خواهان رفع تبعیض جنسیتی شدند و خواستههای برابری طلبانه متعددی را مطرح کردند.

اما امسال نه تنها فعالین بلکه مردم عادی هم به استقبال هشت مارس رفتند و روز جهانی زن را به یکدیگر تبریک میگفتند. نهاد انقلاب زنانه و فعالین حزب ما نیز پیامهای تبریک متعددی دریافت کردند. به این معنی هشت مارس نه تنها بعنوان یک روز اعتراض علیه تبعیض بلکه بعنوان یک روز جشن سراسری و بزرگداشت زن و موقعیت زن در جامعه تثبیت شده است.

سالهاست جمهوری اسلامی تلاش کرده است روز تولد فاطمه را بعنوان روز زن به جامعه تحمیل کند. از سوی دیگر جریان‌ات اپوزیسیون راست می‌خواهند روز کشف حجاب رضاخانی را به روز زن تبدیل کنند. هشت مارس امسال بیش از پیش نشان داد که این تلاشها بجائی نرسیده است و هشت مارس

خلیل کیوان: علیرغم محدودیت‌هایی که حکومت و اپدیمی کرونا ایجاد کرده است امسال اقدامات و فعالیت‌های گسترده‌ای بمناسبت هشت مارس انجام گرفت. اخبار و گزارشات نشان میدهد که در سطح اجتماعی و توده‌ای مردم این روز را گرمی داشتند و به یکدیگر تبریک گفتند. در خارج کشور و همچنین در فضای مجازی و همینطور در خیابانها فعالیت‌های متنوع و متعددی صورت گرفت. در روز جهانی زن یکبار دیگر مساله ستم‌کشی زن در ایران بطور گسترده برجسته شد. جنبش‌رهای زن در ایران در چه وضعیتی قرار دارد؟

حمید تقوایی، امسال بیانیه‌های متعددی از جانب تشکلهای کارگری، معلمان، بازنشستگان، و نهادهای مدافع حقوق زنان منتشر شد. فعالین و چهره‌های سرشناس این جنبشها پیامهایی را منتشر کردند. در تهران، در مشهد، کرج، بندر انزلی، کرمانشاه، اهواز، شهرهای کردستان و در تعدادی از شهرهای دیگر تجمعات و مراسم‌هایی برپا شد. در تهران در پارک ساعی تجمعی از زنان سرود برابری خواندند و در مشهد تجمعی از زنان با برهائی علیه تبعیض جنسیتی به خیابان آمدند. در مدیای اجتماعی کلیپهای زیادی منتشر شد و سمینارها و میزگردهای متعددی برگزار شد. خواستم از شما بپرسم با توجه به این فعالیتهای گسترده که تنها به گوشه‌ای از آن اشاره کردم ارزیابی شما از هشت مارس امسال چیست و ویژگی‌های آنرا چگونه می‌بینید؟

ایرانیان پناهجو روبرو شد. در این سمینارها تعداد زیادی از شرکت‌کنندگان و سخنرانان و پیام‌دهندگان از ایران و از خارج ایران غیرحزبی بودند و این نشانه‌دهنده ابعاد اجتماعی فعالیت و ارتباطات حزب و نهادهای مورد حمایت حزب است.

این یک جنبه از فعالیت بود که بسیار گسترده‌تر از سالهای گذشته بود. جنبه دیگر ابتکاراتی نظیر دوچرخه سواری در اعتراض به بیحقوقی زن در ایران بود که در شهرهایی در سوئد و دانمارک بوسیله کادرهای حزب سازمان داده شد. این آکسیون بویژه در شهر کپنهاگ بسیار موفق بود و فعالین غیر ایرانی جنبش‌رهای زن در این شهر هم به این حرکت پیوستند و به بیحقوقی زن در ایران اعتراض کردند. همین‌طور کلیپهای متعددی از جمله کلیپ سرود برابری که فعالین کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی تهیه کرده بودند در مدیای اجتماعی وسیعاً منتشر شد و با استقبال چندین هزار نفره مواجه شد.

من دیگر وارد فعالیتهای میدانی که در ایران نظیر اجتماعات و دیوارنویسی‌ها و غیره انجام شد نمیشوم. مجموعه اینها نشان میدهد که حزب نبضش با نبض جامعه میزند و همراه و در کنار و در متن حرکت عظیمی که امسال در اعتراض به بیحقوقی زن در هشت مارس شکل گرفت نقش فعالی ایفا کرده است.

خلیل کیوان: بله با این توصیفی که کردید مردم ایران به همه کسانی که جامعه ایران را اسلامی میدانند جواب محکمی دادند. بیش از دو دهه قبل وقتی گفته میشد ایران کشور اسلامی نیست بلکه حکومت آن اسلامی است و یا گفته میشد انقلاب ایران زنانه است بسیاری این حرفها را غلو آمیز و غیر واقعی تلقی میکردند. اینها را منصور ادامه در صفحه ۳

می‌آیند تا در هر فرصتی علیه تبعیضات و نابرابری‌ها اعتراض کنند و یکی از فاحش‌ترین و بزرگترین تبعیضات، بیحقوقی زن در جامعه است. هشت مارس نشان داد که بخش وسیعی از مردم فعالتر و رادیکال‌تر شده و با شعارها و خواستههای رادیکال و کاملاً انسانی و ریشه‌ای به مبارزه علیه تبعیض جنسیتی بلند شده‌اند. این برای حزب ما، که همیشه مبارز فعال علیه آبارتاید جنسی و کل تبعیضات در حق زنان بوده است و همیشه در هشت مارسها پرچم‌رهای زن و اعتراض به بیحقوقیهای مغرطی که اسلام و جمهوری اسلامی و کل نظام سرمایه به زنان تحمیل میکند، را برافراشته است، شرایط مساعدی برای گسترش فعالیتهای فراهم کرد. نبض حزب با نبض جامعه میزند. حزب ما همیای جامعه مدام از نظر فعالیت تبلیغی، فعالیت در مدیای اجتماعی، و فعالیتهای میدانی حیطه کارش را گسترده‌تر میکند، کارزارهای متعددی سازمان میدهد و ابتکارات جدیدی بکار میبرد.

امسال در هشت مارس شاهد این نوع فعالیتهای حزب بودیم. خیلی فشرده به این فعالیتهای اشاره میکنم چون در این برنامه فرصت پرداختن به همه آنها نیست. یک بخش این فعالیتهای اقدامات سمینارها و سخنرانیهای آنلاین بود که بوسیله حزب و نهادهای مورد حمایت حزب سازمان داده شد. مینا احدی سمینارهای متعددی داشت، انقلاب زنانه، اکس مسلم، کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی و شیوا محبوبی، سمینارهایی برگزار کردند که با استقبال مواجه شد. سمیناری بوسیله واحد حزب در ونکور به زبان انگلیسی برگزار شد که بیش از هشتاد نفر از فعالین جنبش‌رهای زن در جلسه آن شرکت کردند. عبدالله اسدی و فدراسیون پناهندگی با حضور پناهندگان ایرانی در ترکیه میزگردی در مدیای اجتماعی برگزار کرد که آنهم با استقبال

ادامه از صفحه ۲

حکمت برای اولین بار - مثل بسیاری ترم های نو دیگر - باب کرد. اکنون دایره کاربرد انقلاب زنانه بسیار گسترده است. کسی از شنیدن این واژه تعجب نمیکنند بلکه بخشی از فرهنگ جامعه شده است و آنرا امری بدیهی میدانند. انقلاب زنانه به چه معنی است؟ آیا منظور اینست که زنان در آن مشارکت گسترده دارند؟ مطالبات شان برجسته است و یا نقش رهبری دارند؟ منظور چیست؟

حمید تقوایی: ابتدا این نکته را بگویم که زمانی که منصور حکمت این را مطرح کرد خیلی از چپها با آن مخالفت کردند و این را استنباط کردند که انقلاب، کارگری و یا سوسیالیستی نیست بلکه زنانه است. در حالیکه منظور اینست که انقلاب سوسیالیستی، انقلاب ضد سرمایه داری در ایران خصلتی زنانه دارد. امروز ممکن است هنوز برخی نیروهای چپ با این ترم مشکل داشته باشند ولی خوشبختانه در یک سطح اجتماعی زنانه بودن انقلاب پذیرفته شده است تا حدی که سازمان جوانان حزب حرکت اعتراضی و نهادی تحت این نام سازمان داده است و فعالین زیادی در ایران و خارج از ایران در این نهاد فعالیت میکنند. همانطور که اشاره کردم یکی از سمینارهای هشت مارس بوسیله این نهاد برگزار شد که فعالین زیادی از ایران و خارج از ایران پیامهای صوتی و تصویری فرستادند و در این سمینار مشارکت داشتند و حتی ویدئوی موزیک ویژه ای برای این سمینار تهیه کردند. میخواهم بگویم امروز انقلاب زنانه بعنوان یک مفهوم و یک حرکت و نهاد اجتماعی تثبیت شده است.

در مورد معنی انقلاب زنانه پرسیدید. اینکه زنان نقش مهمی در مبارزات مردم ایران دارند و در بسیاری موارد در پیشاپیش صف اعتراضات هستند و یا مثلا مادران خاوران و جنبش دادخواهی و مادران زندانیان سیاسی بسیار جسورانه مقابل جمهوری اسلامی ایستاده اند

امروز نه فقط هر طرفدار رهائی زن و هر فمینیست که واقعا میخواهد زن آزاد شود باید سوسیالیست باشد بلکه هر دموکرات پیگیری باید سوسیالیست باشد، هر طرفدار واقعی حقوق بشر باید سوسیالیست باشد، هر کسی که با هر نوع تبعیضی مخالف است باید سوسیالیست باشد. چون بورژوازی اصلا تبعیض را برسمیت نمی شناسد. تبعیض را تفاوتهای فرهنگی مینامد! تفاوت تمدنها و جنگ تمدنها مینامد! ظاهر اسلام که زن را ملک طلق مرد میداند یک تمدن است و هندوئیسم که معتقدست زن را باید به همراه شوهر سوزاند یک تمدن است و فرهنگ پیشرفته و مدرن هم یک تمدن است!

مشروعیت است، حکومتی که نه تنها مانع قتلهای ناموسی نیست بلکه حتی آنرا در جامعه رواج میدهد. طبق قوانین قصاص و اخلاقیات اسلامی مرد حق دارد همسر و یا دخترش را که به نظر او "بی عفتی" کرده اند و یا روابطی دارند که مورد تأیید اسلام نیست، به قتل برساند.

مردم ایران با چنین حکومتی طرفند. چنین حکومتی در برابر خودش جنبش و حرکتی را سازمان داده است که مشت بر آسمان میکوبد. من در نوشته ام این مثال را زده ام که وقتی فتری را فشار میدهید اگر رها بشود دیگر سر جای اولش نمی ایستد، بلکه برآفتاب به جلوتر میجهد. وضعیت زنان در ایران هم همینطور است. دولت، ایدئولوژی رسمی، قوانین، تبلیغات دولتی، و سرکوب وزندان و شکنجه و غیره تمام اینها یک بی حقوقی مفرط و میشود گفت تحقیر و توهین مفرطی را به زنان در جامعه ایران تحمیل کرده اند. زنان علیه این وضعیت بلند شده اند و بنابرین انرژی ای عظیمی انباشته شده است که وقتی رها بشود، وقتی علیه جمهوری اسلامی بمیدان بیاید جامعه را شخم خواهد زد و آخرین دستاوردها و را برای آزادی زن طلب خواهد کرد. دیگر به سطحی از حقوق ادامه در صفحه ۴

رهایی زن در ایران ضد مذهب است، ضد اخلاقیات و تابوهای عقب مانده است، ضد پست مدرنیسم و یونیورسال است، علیه اسلام سیاسی است. در حالی که گرایش فمینیستی غالب در دنیا این خصوصیات را ندارند. این تفاوت از چه ناشی میشود؟

حمید تقوایی: در ایران جنبش رهائی زن این خصوصیات را دارد به خاطر اینکه بیش از چهل سال است حکومتی برسر کار است که مبنای ایدئولوژیک، سیاسی، و سلطه فکری و فرهنگی و اخلاقی اش تابوها، اخلاقیات کپک زده مردسالارانه، مذهب و قوانین ضد انسانی مذهبی و کلا نگاه به زن بعنوان یک کالای جنسی و ابزار لذتجویی مرد است. در ایران زن ستیزی فلسفه و سیاست رسمی حکومت است. این را فقط در قوانین نمی بینید. در قوانین زن یا حقی ندارد و یا نیمی از مرد بحساب می آید ولی مساله بسیار از این فراتر است. جمهوری اسلامی حکومتی است که هر روز مقامات و امام جمعه هایش از منبر و محراب رواج دهنده بدترین اهانتها و تحقیرها نسبت به زنان هستند، حکومتی که به تجاوز به دختر نه ساله تحت عنوان ازدواج شرعی رسمیت داده است، حکومتی که به تن فروشی تحت عنوان صیغه

تیشه به ریشه ستمکشی زن، مذهب، و اخلاقیات میزند.

اگر حکومت به بیحقوقی زن متکی است مبارزه علیه این بی حقوقی تیشه زدن به ریشه حکومت است. این امر به این معنی نیست که انقلاب اهداف و خواستههای دیگری ندارد و تنها باید تبعیض جنسیتی را حل کند. بلکه به این معنی است که انقلاب سوسیالیستی در ایران خصلتی زنانه دارد.

هر انقلابی بخواهد جنبش رهائی زن را با خصوصیات که گفتیم به پیروزی برساند باید نه تنها با جمهوری اسلامی بلکه با کل نظام و حکومت طبقه مفتخور سرمایه دار تعیین تکلیف کند. به این معنی انقلاب سوسیالیستی در ایران زنانه است و یا عبارت دیگر انقلاب رهائی بخش زن در ایران تنها میتواند سوسیالیستی باشد. به این اعتبار نیروی زنان جامعه، یعنی پنجاه درصد جامعه، بالقوه یک نیروی مهم پیشبرد انقلاب سوسیالیستی در ایران محسوب میشود.

خلیل کیوان: شما نظراتی مشابه این را در سمیناری در سه سال پیش و اخیرا در نوشته ای تحت عنوان ویژگیهای سوسیالیستی جنبش نوین رهائی زن طرح کرده اید و گفته اید که جنبش

یک واقعیت است. از سوی دیگر مسله مهمی که انقلاب در ایران باید حل کند مساله ستمکشی زن است و در این هم تردیدی نیست. واقعیت دیگر اینست که جمهوری اسلامی با سرکوب زنان، با آپارتاید جنسی و با اعمال فاحش ترین تبعیضات علیه زنان در واقع کل جامعه را به بند کشیده است و خودش را سرپا نگهداشته است. ما همیشه گفته ایم عمر حکومت به موی زنان بند است. به معنی استعاری و حتی به معنی واقعی کلمه. جمهوری اسلامی با حجاب آمده است و بی حجاب می رود.

این واقعیات جنبه های مختلف انقلاب زنانه را نشان میدهد. این را نشان میدهد که زنان با اعتراض علیه تبعیض جنسیتی علیه کل این نظام و حکومتی که این تبعیض را به جامعه تحمیل کرده است مبارزه میکنند. جنبش رهائی زن در ایران عمیقا سیاسی است، عمیقا ضد مذهب است، عمیقا سرنگونی طلب است، عمیقا خواهان ارزشهای انسانی است و پرچم آنها را بلند کرده است. عمیقا مدرن و مدنی است. خواستار نه تنها برابری زن و مرد بلکه جامعه ای بری از خرافات و اخلاقیات گندیده ضد زن است. اینها خصوصیات یک انقلاب زیر و رو کننده است. انقلابی که



کمونیستهای واقعی نه تنها پرچم رهایی زن بلکه پرچم مدنیت و مدرنیسم و تمدن و معیارها و نرم‌های انسانی را در دست دارند. ازینرو باید گفت با شرایطی که بورژوازی در دنیا بوجود آورده است، با این سیر قهقرانی که بورژوازی بر دنیا تحمیل کرده، جنبش رهایی زن فقط میتواند جنبشی سوسیالیستی باشد.

ادامه مطلب انزوای سیاسی جمهوری اسلامی در منطقه از صفحه ۱

دعوت از جمهوری اسلامی در دوحه پایتخت قطر برگزار شد تا به ده سال جنگ داخلی سوریه پایان دهند.

این اوضاع زاری است که رژیم پوسیده و جنایتکار ایران در آن دست و پا می زند. ادامه دستگیری های فله ای و وسیع معترضین و فعالین سیاسی و مدنی، ادامه سرکوب و تعرض وسیع در داخل کشور قرار است ضعف و زبونی رژیم را خارج از مرزها لاپوشانی کند.

شکست سیاسی - نظامی رژیم در خارج از مرزها، شکست و عقب نشینی هر چه بیشتر رژیم را در مقابل اعتراضات وسیع مردم و در راس آن جنبش کارگری به دنبال خواهد داشت. ادامه سرکوب مبارزات مردم در داخل کشور بدون سیاست ناامن سازی منطقه ای و تروریستی بردوام نخواهند ماند. پایان و شکست سیاست های منطقه ای رژیم در عوض به مبارزات وسیع و جاری کارگران، زنان و دیگر جنبش های اجتماعی و سرنگونی طلب سرعت خواهد بخشید و به عروج مجدد قیام های توده ای کمک کرده و به سترونی کامل سیاست های سرکوب رژیم خواهد انجامید. بی شک سیر حوادث، جمهوری اسلامی را وادار به نوشیدن نه یک جام بلکه چندین جام زهر دیگر خواهد کرد تا جنازه متحوشش به دست زنان و کارگران آگاه، برای همیشه به خاک سپرده شود.

باید سوسیالیست باشد. این را امروز حتی آقای بیل گیتز سرمایه دار معروف و صاحب مایکرو سافت میگوید. میگوید راه حل گرمایش زمین فقط سوسیالیسم است. لازم نیست مارکسیست باشید، کافی است واقع بین باشید تا متوجه بشوید که مساله زن، مساله نابودی محیط زیست، مساله سرکوب و دیکتاتوری، حتی نفی مدنیت و جامعه مدنی امروز جوابش در دست سوسیالیستها است. بورژوازی از نظر فلسفی و ایدئولوژیک و دکتترین سیاسی اجتماعی از جامعه مدنی دست شسته است. جامعه موزائیکی قبيله ای عشیرتی مذهبی را تئوریزه کرده اند و تبلیغ میکنند.

بنابراین حتی هر فعال مدنی پیگیری باید سوسیالیست باشد. هر کس برای تمدن و مدنیت ارزش قائل است و هر کس فکر میکند انسانهای کره زمین خواستههای پایه ای مشترکی دارند و آزادی یک معنی واحد برای همه ساکنین کره ارض دارد؛ هر کس معتقد است آزادی نسبی نیست، رفاه نسبی نیست، برابری نسبی نیست باید سوسیالیست باشد. اکثر قریب به اتفاق مردم جهان، در نقطه مقابل پست مدرنیسم یک درصديها، اینطور فکر میکنند. تنها سوسیالیسم میتواند این آرمان و خواست مردم جهان را متحقق کند.

منظور من البته سوسیالیستهای نوع کمونیسم کارگری است. بعضی از چپها هستند که حب پست مدرنیسم را قورت داده اند. از جمله چپهایی در غرب که امروز در کنار حسن نصرالله می ایستند. آنها را باید کنار گذاشت ولی سوسیالیستها و

حمید تفوائی: برخی از نیروهای چپ بر این باورند که تنها سوسیالیسم میتواند زن را آزاد کند. اما به عقیده من از نظر تئوریک اینطور نیست. از لحاظ تحلیلی و انتزاعی زن میتواند در جامعه سرمایه داری هم آزاد بشود اما عملا این اتفاق نمی افتد و عملا رهایی زن با رهایی جامعه از سطره سرمایه گره میخورد. چرا اینطورست؟ مشخصا بخاطر دست شستن بورژوازی از مدنیت و ارزشهای جوامع مدنی که روزی خودش پرچمدارش بود.

امروز نه فقط هر طرفدار رهایی زن و هر فمینیست که واقعا میخواهد زن آزاد شود باید سوسیالیست باشد بلکه هر دموکرات پیگیری باید سوسیالیست باشد، هر طرفدار واقعی حقوق بشر باید سوسیالیست باشد، هر کسی که با هر نوع تبعیضی مخالف است باید سوسیالیست باشد. چون بورژوازی اصلا تبعیض را برسمیت نمی شناسد. تبعیض را تفاوتهای فرهنگی مینامد! تفاوت تمدنها و جنگ تمدنها مینامد! ظاهرا اسلام که زن را ملک طلق مرد میدانند یک تمدن است و هندوئیسم که معتقدست زن را باید به همراه شوهر سوزاند یک تمدن است و فرهنگ پیشرفته و مدرن هم یک تمدن است!

این وضعیتی است که بورژوازی بوجود آورده است. روزی لینن میگفت هر دموکرات پیگیری باید سوسیال دموکرات باشد. امروز باید این را به مبارزه علیه همه تبعیضات بسط داد. هر فعال واقعی جنبش رهایی زن باید سوسیالیست باشد. راه دیگری نیست. حتی هر کس میخواهد کره زمین و محیط زیست حفظ بشود

حتی از خواستها و پرچمی که روزی بورژوازی لیبرال و دموکرات در دست داشت بسیار عقب مانده تراست. امروز در فضای فکری غرب پست مدرنیسم مسلط است. یعنی نظریه ای که به ارزشهای جهانشمول انسانی قائل نیست، حتی به پیشرفت و ترقی معتقد نیست و بر این باور است که ارزشهای محلی و اتنیکی بر مبنای مذهب و ملیت و قومیت تعریف و تعیین میشوند. بر این میناست که خیلی از فمینیستها و حتی جریاناتی که خود را چپ میدانند حجاب و برقع را جزئی از فرهنگ "زن مسلمان" میدانند و بر قتلهای ناموسی حتی در کشورهای اروپایی چشم میبندند. این گرایش و نگرش رها کننده زن نیست، تسلیم کردن او به قوانین ضد زن مذهبی قومی عشیرتی است و بهمین دلیل هم هست که تماما در نقطه مقابل جنبش رادیکال رهایی زن در جامعه ایران قرار میگیرد.

خلیل کیوان: از صحبتهای شما میشود به این نتیجه رسید که تنها پاسخ به مساله ستمکشی زن سوسیالیسم است. همانطور که درسینار نوشته ای که اشاره کردم این را به صراحت بیان کرده اید. گفته اید که فمینیسم در این دوره فقط میتواند فمینیسم سوسیالیستی باشد.

و جریانات سیاسی حاکم و غالب در دنیا، دولتها و احزاب و حتی گرایشها و جنبشهای متعارف جاری پاسخ و راه حلی برای نابرابری هایی که به زنان روا میشود، ندارند. چرا اینطور فکر میکنید؟ آیا منظور شما اینست که زن تنها در جامعه سوسیالیستی میتواند آزاد شود؟

ادامه از صفحه ۳

زنان که مثلا در زمان شاه بود رضایت نخواهد داد. یا حتی در حدی که امروز در کشورهای اروپایی هست. زنان ایران خواهان آزادی بی چون و چرا و تمام و کمال هستند. و این آزادی محور ارزشهای انسانی جهانشمول است. زنان در ایران این را نمی پذیرند که گویا فرهنگ اسلامی ایجاب میکند بقول رژیم "هنجارها" را رعایت کنند. این هنجارها همان تابوهای پوسیده و ضد زن اسلامی است. زنان فی الحال در حال درهم شکستن این هنجارها هستند. مساله تابو بودن روابط جنسی را زنان با ازدوجهای سفید درهم شکسته اند. اعتراض حتی به بیحقوقی هایی که در سطح خانواده هست، اعتراض به اخلاقیات پوسیده ای که زن را ناموس مرد میداند و او را به "عفت و عصمت" فرا میخواند، اعتراض به حجاب و آپارتاید جنسی و غیره و غیره وسیعا و هر روزه در جریان است. زنان در ایران خواهان یک فرهنگ و روابط و مناسبات انسانی، مدرن، جهانی و عمیقا مبتنی بر برابری همه جانبه بین زن و مرد هستند و هر جا توانسته اند عملا دست اندر کار پیاده کردن این مناسبات شده اند. به همین خاطر هست که به نظر من جنبش رهایی زن در ایران خصلتی ضد مذهبی و ضد اخلاقیات و تابوهای مردسالارانه، یونیورسال و تابو شکنانه دارد و خواهان مترقی ترین و پیشرو ترین درک و تعبیر از آزادی و برابری و تحقق آن در ایران هست.

در جنبش فمینیستی غالب در دنیا متاسفانه این خصوصیات را نمی بینیم. بخاطر اینکه اساسا دیدگاههایی بر این جنبش حاکم شده است که

افغانستان: در یک سالگی هیاهویی پوچ

دولت انتقالی برای بازگرداندن طالبان!

سیامک بهاری



یک سال پس از توافق آمریکا و جریان تروریستی طالبان، سپس آغاز مذاکرات بین‌الافغانی، با تغییر قدرت در کاخ سفید مذاکرات متوقف شد. گویی به ناگهان، همه بازیگران صحنه، نقش‌های نیمه‌کاره خود را رها کردند و صحنه از هیاهویی پوچ خالی شد. نمایندگان طالبان برای کسب تکلیف روانه پاکستان شدند.

نمایندگان بی اختیار ارگ و سپیدار آچمز شده، درسکوتی رقت‌انگیز منتظر دستور بعدی بی‌حرکت ماندند. یک سال پس از توافقات دوحه، طالبان مسرور از قدرت، به عملیات نظامی علیه نیروی‌های آمریکایی پایان دادند، اما عهد و اخوت با القاعده و انواع درندگان تروریسم اسلامی گسترده‌تر شد. حملات علیه نیروهای دولتی و تحمیل ویرانی‌های هرچه بیشتر به مردم بی‌دفاع شدیدتر از پیش ادامه یافت. اعمال سخت‌گیری‌های مذهبی و محدودیت آشکار علیه زنان، حضور پر رنگ شریعت حنفی در دانشگاه‌ها، ممنوعیت آواز خوانی برای دختران بالاتر از ۱۲ سال، گسترش ترورهای هدفمندی که برای ارباب جامعه، اساساً فعالین اجتماعی را نشانه گرفته است، کابوس

محتوم بازگشت هیولای طالبان را به واقعیت نزدیک‌تر کرده است. طالبان هیچگاه برنامه‌ای برای صلح با حکومت در دستور کار نداشتند. توافقات دوحه و میز مذاکره چیزی بیش از تاکتیکی برای ادامه جنگ نمی‌توانست باشد. تحت عنوان پیش‌شرط

اما برای میلیون‌ها مردم مصیبت‌زده‌ای که بیش از چهار دهه جنگ خانمان برانداز قربانیان اصلی این شیادی

مشمئزکننده‌اند، چیزی بجز ویرانی و کشتار، جنگ و تباهی و ادامه آوارگی و فلاکت بیشتر، نصیب نشده است. این حقیقت تلخ همه آن مهملاتی است که به نام دستاورد "صلح" و پایان

برای میلیون‌ها مردم مصیبت‌زده‌ای که بیش از چهار دهه جنگ خانمان برانداز قربانیان اصلی این شیادی مشمئزکننده‌اند، چیزی بجز ویرانی و کشتار، جنگ و تباهی و ادامه آوارگی و فلاکت بیشتر، نصیب نشده است. این حقیقت تلخ همه آن مهملاتی است که به نام دستاورد "صلح" و پایان جنگ و توافقات، بیش از یک سال در دوحه در جریان بود. توطئه آشکاری است علیه مردم رنج کشیده و زخمی افغانستان. مافیای مرموزی که کل تاریخش با تبهکاری و باندبازی در عطش قدرت و حاکمیت است، حاضر به هر فضاحتی در مصالحه با طالبان و در خوش خدمتی هر ابرقدرتی است که زمام امور در دستش باشد. همه کرامت جامعه و میلیون‌ها مردم رنج دیده را به قربانگاه می‌برد.

۶۶

است. بازگرداندن طالبان و ختم قائله با تشکیل دولت انتقالی به نام آنچه "صلح" می‌نامند. روسیه و چین و هندوستان و پاکستان را راضی کرده‌اند و این بار جغرافیای نزدیکتری مانند ترکیه محل نشست و مذاکره است.

زلمی خلیل‌زاد فرستاده ویژه آمریکا در امور افغانستان که در مسئولیت خود ابقاء شده، در سفر اخیرش برای ابلاغ استراتژی جدید، پیش از سفر به افغانستان از آلمان، متحد دیرین آمریکا، سپس پاکستان، قطر، امارات متحده عربی و دیگر کشورهای منطقه دیدن کرد. با نمایندگان ارشد طالبان در قطر نشست داشت. با اشرف غنی و عبدالله عبدالله در ارگ و سپیدار، نقشه راه و طرح تازه کاخ سفید را در میان گذاشت. طرح دولت انتقالی برای صلح! این طرح ده صفحه‌ای سناریوی ایجاد حکومتی تحت ادامه در صفحه ۶

معادل قریب به ۲۰ سال بودجه کل کشور افغانستان ارزیابی شده است. بدیهی است که از منظر منافع آنان، این روال نمی‌تواند ادامه یابد. استراتژی آمریکا توافق و مذاکره از بالا با طالبان و تحمیل تشکیل دولت انتقالی برای ختم جنگ به حکومت فعلی است. فرمانی آمرانه، زمخت و تحقیرآمیز که راه سرپیچی برای مجریان آن مسدود شده است. حضور ۲۵۰۰ نیروی نظامی آمریکا، حدود ۱۰ هزار سرباز ناتو و ۲۰ هزار پیمان‌کار در افغانستان که از حمله طالبان مصون شده‌اند، ضامن اجرایی فرامین صادره از کاخ سفید است.

استراتژی جدید آمریکا، دولت انتقالی برای صلح

پس از توقف مذاکرات دوحه اینک طرحی دیگر با همان مضمون کهنه روی میز آمده

جنگ و توافقات، بیش از یک سال در دوحه در جریان بود. توطئه آشکاری است علیه مردم رنج کشیده و زخمی افغانستان. مافیای مرموزی که کل تاریخش با تبهکاری و باندبازی در عطش قدرت و حاکمیت است، حاضر به هر فضاحتی در مصالحه با طالبان و در خوش خدمتی هر ابرقدرتی است که زمام امور در دستش باشد. همه کرامت جامعه و میلیون‌ها مردم رنج دیده را به قربانگاه می‌برد.

برای آمریکا و شرکای ناتو، ماندگاری پر هزینه و کم دستاورد در افغانستان، ارزش دیرین خود را از دست داده است. ادعای واهی اهلی شدن طالبان، کاهش چشم‌گیر حمایت از حکومت کنونی و شرکاء حقیقت استراتژی ترامپ/ بایدن را هویدا می‌کند. هزینه نجومی دو دهه حضور آمریکا در افغانستان بالغ بر بیش از ۹۷۵ میلیارد دلار،

درد را میشناسیم! درمان را هم! سیاوش مدرسی



خانوارهای تاراج شده با فقر مالی به استقبال جشنهای نوروزی میروند، سفرها روز به روز کوچکتر و انبان منبردارها و تک تک حکومت‌گران اسلامی چه نظامی و چه اطلاعاتی لحظه به لحظه پر و پرتر میشود.

انبارها پراند، ۲ تریلیون دلار پول برای مضحکه غنی‌سازی هست! پول برای گنبد طلا ساختن و توالی مدرن ساخت برای قبر این امام و آن امام گور به گور شده هست، پول برای دارودسته‌های مسلح در سوریه و عراق و سودان و اخیراً هند هست برای اتوموبیل‌های بسیار گران قیمت و ویلاهای آنچنانی و برجهای اشرافی در داخل و خارج از کشور هست بازار هم پر است و انبارها لبریز و سفره ما روز به روز تهی‌تر!

ما درد را میشناسیم!

درمان راهم!

زنده باد اعتصاب عمومی

زنده باد اتحاد

سیاوش مدرسی

۲۰۲۱/۳/۹

دوم و سوم منبردارها و لات و لوت‌های نشسته در مجلس و سپاه و اطلاعات و بسیج چیست؟

خطاب خامنه‌ای به کیست؟ مگر مردم دست‌به‌گریبان فقر و چپاول و استبداد نمیدانند مسبب این فلاکت چه کسانی هستند؟ صحنه‌های دردناک حمله برای خریدن روغن در اورمییه و تیترو روزنامه شدن فروش گوشت قسطی با چک کارمندی و تظاهراتها و اعتراضات یکپارچه و همه روزه کارگران و حقوق‌بگیران و بازنشستگان عمق درک و آگاهی مردم و شناخت آنها از دشمنانشان نیست؟

"این گرانی‌ها از گوشت قرمز و مرغ تا پوشک بچه توجهی ندارند. با مدیریت هماهنگ دستگاه‌ها این مشکلات قابل حل شدن است."

این گفته‌های چند روز پیش سیدعلی خامنه‌ای منبردار اصلی نظام اسلامی در مورد گرانی ارزاق عمومی بود، بلکه حق با ایشان است گرانی سرسام‌آور و روزمره جداً غیر قابل توجیه است آنقدر غیر قابل توجیه که ایشان را وادار به اعتراف و اشک تمساح ریختن کرد.

پامنبری‌های مسئول میگویند تولید فراوان، انبارها پر و ملالی جز دیدار با امام زمان ندارند فقط این واسطه‌ها جنس را ارزان می‌خرند و بعد از چندین دست چرخیدن به مشتری بی‌پول و به تاراج رفته گران عرضه میکنند!

شاید بشود در این مورد کاملاً حق را به حاجی سیدعلی خامنه‌ای و پامنبری‌هایش داد اما مشکل این است که این تمام تصویر نیست!

رئیس روسای این حکومت همواره هم در لباس پلیس و قانون چپاول کرده‌اند و دزدیده‌اند، هم پوزبسیون بوده‌اند و هم اپوزبسیون، هم گرگند و هم شبان.

به خوبی میدانند که واسطه‌ها و دلالتیکه از قدیم به "قیاندار" بازارها معروف بوده‌اند چه کسانی هستند؟ نیازی به تحقیق و اشک تمساح ریختن ندارند این را همه مردم به‌جان آمده هم میدانند که شغل

بر اساس این طرح، ضرب‌الاجل امریکا برای آغاز نشست روز شنبه ۲۷ مارس برگزار می‌کنند. نظارت سازمان ملل است. این نشست به نوعی یادآور کنفرانس بن است. با این تفاوت که هیئت‌نماینده‌ی طالبان به رهبری ملا عبدالغنی برادر معاون رهبری طالبان، در این نشست حضور خواهد یافت. روسیه نیز در توافق با طرح صلح، اعلام کرده است که بزودی کنفرانسی در مسکو در همین راستا برگزار می‌کند. کنفرانس استانبول همانقدر علیه منافع عالی‌ه مردم افغانستان است که مذاکرات دوحه بود. هر دو در یک راستا و طرحی علیه منافع مردم افغانستان، باج دهی آشکار به اسلام سیاسی نوع طالبان و بی‌مسئولیتی عامدانه در قبال فاجعه شومی که دارند رقم می‌زنند. قرار است، هیولای طالبان را با دسیسه و نیرنگ به نام "صلح" بر جامعه مسلط گردانند. بیست سال حاکمان فاسد و تبهکار، از کرزای تا اشرف غنی و ده‌ها باند و مافیای مرموز پیرامونشان آنقدر زخم بر جامعه زدند تا راه بازگشت طالبان هموار شود.

برای مردمی که زیر دست و پای مافیای احزاب جهادی و تکنوکرات‌های قوم‌گرا، نه روی جمهوریت دیده‌اند نه از عدالت و آزادی بهره‌ای برده‌اند، هنوز وقت باقی است تا عرض‌اندام کنند. به خیابان بریزند! آلتزاتیو انسانی خودشان را عرضه کنند و همه بساط این غوغای توحش را به هم بریزند. زنان باید در صف مقدم این اعتراض، رهبری آن را به دست بگیرند. نه طالب ریشه در اعماق جامعه دارد و انتخابات بردار است و نه مشت‌فرومایه نان به مزد به نام حاکمان کنونی تابع رأی اکثریت جامعه زخمی و گرسنه افغانستان است!

آنچه حقانیت دارد و باید قدرت را بدست بگیرد عدالت خواهی و برابری طلبی است. آنچه جامعه مصیبت‌زده افغانستان را از این کابوس وحشت نجات می‌دهد عرض‌اندام همین نیرو است. فردا دیر است!

ادامه از صفحه ۵

نام دولت انتقالی صلح را در سه بخش توضیح می‌دهد: تدوین قانون اساسی آینده، حکومت انتقالی صلح و سرانجام چگونگی آتش‌بس. طبق این سند، ساختار سیاسی "دولت انتقالی صلح افغانستان" از سه قوه مستقل شورای ملی، اداره اجرایی، و قوه قضائیه (دادگاه عالی و دادگاه‌های محلی) تشکیل می‌شود. یک شورای مستقل عالی فقه اسلامی و یک کمیسیون تدوین قانون اساسی نیز به آن ضمیمه شده است.

طالبان با انگیزه ایجاد امارت اسلامی و اشرف غنی و شرکاء در پُر "جمهوریت" قرار است پای این مصالحه متناقض برونند. روندی ناهمگون و دور از انتظار. روشن است که دولت انتقالی به معنای پایان کار اشرف غنی است. طالبان پیشتر هم بارها خواهان کناره‌گیری او از قدرت بوده‌اند.

در تحکیم این طرح، آنتونی بلینکن وزیر امور خارجه آمریکا طی نامه‌ای خطاب به اشرف غنی و عبدالله، تصریح می‌کند که آمریکا خواهان موافقت طرح دولت انتقالی برای صلح از سوی افغانستان و طالبان است. بلینکن آمرانه به اشرف غنی تأکید می‌کند: "بی‌برده و صریح با شما حرف زدیم تا فوریت لحن مرا در رابطه با این کار جمعی که در نامه تشریح شده است، درک کنی!" متن سه صفحه‌ای نامه عامدانه به بسیاری از خبرگزاری‌ها درز داده شد تا محرمانه نماند و علنی شود.

اشرف غنی صریحاً برخی از بندهای این طرح را رد می‌کند و ادعا دارد که همه نهادهای جمهوری اسلامی افغانستان پابرجا می‌ماند. نامه بلینکن را خواب و خیال و کاغذ پراکنی می‌نامد. اما عبدالله عبدالله رئیس شورای عالی مصالحه ملی با تأیید ضمنی طرح آمریکا می‌گوید: این طرح برای تسریع روند مذاکرات است، گرچه بعید می‌داند طالبان به جمهوریت اعتقادی داشته باشند.

KANAL JADID
کانال جدید

فرکانس

تلویزیون کانال جدید

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

اعتراضات ضد حکومتی در لبنان اوج

میگیرد
محمد شکوهی



خبرگزاری آسوشیتدپرس عصر روز چهارشنبه ۲۰ اسفند گزارش داده که مردم خشمگین لبنان در بیروت و چندین شهر دیگر از جمله

شهرهای صیدا و طرابلس، اقدام به برپایی تظاهرات های بزرگ ضد حکومتی کرده اند. در جریان این اعتراضات مردم علیه فساد، گرانی و بیکاری و ناکارآمدی دولت دست به تظاهرات زده و چندین مرکز دولتی را به آتش کشیدند. شعار سرنگونی نظام و به زیر کشیدن سیستم قومی و مذهبی یکی از شعارهای اصلی مردم در کنار شعار علیه گروه تروریستی حزب الله که مورد حمایت جمهوری اسلامی می باشد، برجسته است. در جریان تظاهراتهای امروز در بیروت جوانان با آتش زدن لاستیک و ایجاد راه بندان مانع حملات پلیس شدند. در طول امروز با بالا رفتن ستون های غلیظی از دود، آسمان بیروت پایتخت این کشور تیره شد. از اوایل مارس مردم لبنان در چندین شهر این کشور دور جدید تظاهرات های خیابانی بزرگ و ضد حکومتی را بار دیگر آغاز کرده اند. در هفته دوم این ماه تظاهرات های بزرگ در شهرهای بیروت، صور و صیدا و طرابلس ادامه داشت. دهها هزار نفر در چندین شهر این کشور به خیابانها آمده و علیه سیاستهای ریاضت کشی اقتصادی دولت، تحمیل فقر و فلاکت و گرانی و بیکاری دست به تظاهرات زدند. این تظاهراتها در ادامه مبارزات مردم این کشور علیه سیستم فاسد حکومت قومی و مذهبی و علیه بدتر شدن وضعیت

لازم به یادآوری است که اوایل اکتبر ۲۰۱۹ جنبش اعتراضی بزرگ و قدرتمند علیه رژیم و دولت فاسد لبنان، علیه فقر و گرانی و بیکاری .. شکل گرفت. مردم در اعتراضات ماه اکتبر ۲۰۱۹ شعار سرنگونی حکومت قومی و مذهبی را با صدای رسا سر دادند. شیوع کرونا در ماههای پایانی سال

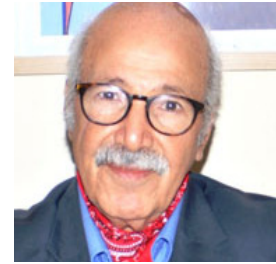
دولت قومی و مذهبی باید گورش را کم بکند. برخورداری از همه امکانات و استانداردهای مدرن زندگی امروز، در کنار امنیت و آسایش برای مردم حق طبیعی مردم می باشد. حزب الله لبنان که مورد حمایت جمهوری اسلامی می باشد، در کنار جمهوری اسلامی و برخی دول عربی که از گروههای قومی مذهبی سنی و شیعی حمایت می کنند، عاملان این وضعیت می باشد. مردم به حق علیه همه این دار و دسته ها و باندها و درکل علیه سیستم قومی و مذهبی و دولت فاسد این کشور می باشند. همه اینها سازماندهندگان جنگ؛ مسئول تحمیل فقر و گرانی و فلاکت و سرکوب بر علیه مردم هستند.

چند برابر کرده است. هزاران کارگر بیکار شده و ماهها دستمردهای پرداخت نشده دارند. کارگران و اتحادیه های کارگری و خدماتی در طول یک سال گذشته چندین اعتصاب سراسری در اعتراض به این وضعیت برپا داشته اند، که دولت جوابی به خواستههایشان نداده است.

دولت قومی و مذهبی حاکم بر این کشور فقط به فکر پر کردن جیب دزدان و مافیای دولتی وابسته باندهای قومی و مذهبی و شریک و سهیم در دولت، در کنار تحمیل فقر و فلاکت و سرکوب بی حقوقی محض بر کرده مردم می باشند.

۲۰۱۹ بهانه ای در دست دولت شد که تجمعات را ممنوع اعلام کرده و بدین وسیله حکومت نظامی اعلام نشده را در چند شهر بزرگ کشور برقرار بکند. در طول سال ۲۰۲۰ اعتراضات مردم مقابل مراکز اصلی دولتی ادامه یافت و فعالین جنبش های اعتراضی به اشکال مختلف اعتراضات را به پیش برده اند. از اوایل سال ۲۰۲۱ وضعیت اقتصادی مردم بدتر شده؛ ارزش پول این کشور ۸۰ درصد سقوط کرده، گرانی ها بیشتر شده، حقوقها و دستمزدهای کارگران کفاف زندگی بخور و نمیر را نمی دهند. در کنار تحمیل فقر و گرانی؛ کرونا و مشکلات عدیده عدم دسترسی به دوا و درمان، مشکلات مردم را

ناسیونالیسم، سرمایه داری و ملت کاظم نیکخواه



۱- ناسیونالیسم و سرمایه داری

قوانین دلبخواهی حاکمان این محدوده های قبیله ای و طایفه ای یا حتی ملوک و شاهان بود. سرمایه داری با جنگهای طولانی و اشغالگریها و افت و خیزهای بسیار این روال را به هم زد. قلمروها و محدوده های حکام و اشراف را برچید و قلمروهای ملی را تعریف کرد. از بهم پیوستن قلمروهای متعدد یک ملت ایجاد شد و این فقط جغرافیایی نبود. از نظر زبان، آموزش، واحدهای سنجش، سیستم دولتی و غیره همه مجموعاً یک کاسه شد و یکی شد. چونکه این مرزهای محدود طایفه ای و قبیله ای و محدود مانع حرکت سرمایه بود. و این علیرغم روال و شکل دردناک و اجباری و تلخی که بخودش گرفت، از نظر تاریخ بشری یک پیشرفت محسوب میشود.

در عین حال باید توجه کرد که ایجاد ملتها و کشورها و دولت - ملتها با تبلیغات و تهییجات، تئوریهها، و تزها و فلسفه بسیار فعال و وسیع توسط ناسیونالیستها انجام شد و سخنگویان و مبلغین و موعظه گران و فلاسفه و تئوریسینهای ویژه خودش را داشت. یک جنبش ایدئولوژیک، سیاسی، فلسفی، تبلیغاتی وسیع در همه کشورها شکل گرفت که هدفش جا انداختن و تحمیل و حقنه کردن تفکر ملی و ناسیونالیستی بود. و این قابل فهم است که چرا. در پس استقرار سرمایه داری در واقع ناسیونالیسم و ملت گرایی هم استقرار و حاکمیت یافت.

قدم بعدی برای سرمایه در ادامه تشکیل ملت و کشور، گسترش قلمرو کشوری بود. جنگهای استعماری، زیر سیطره آوردن ملتها و

ناسیونالیسم یک ایدئولوژی و یک جنبش اجتماعی بسیار مهم و گسترده در تاریخ معاصر است که حول مساله ملت خود را تعریف میکند. ناسیونالیسم همزاد سرمایه داری است و در واقع یک ستون سرمایه داری است. سرمایه بدون دولت - ملتها معنا ندارد و ناسیونالیسم این امکان و این ابزار را برای سرمایه داری تامین کرده و پروبال داده و جا انداخته است. یعنی ناسیونالیسم را اساساً نیاز سرمایه به جلو سوق داد و ناسیونالیسم یک ستون پیشروی سرمایه داری بود. اما اکنون مدتهاست که ناسیونالیسم و مرزهای ملی به مانعی بر دست و پای سرمایه داری تبدیل شده. سرمایه و ناسیونالیسم با هم دچار مشکل شده اند و یکدیگر را مانع میشوند. اما در عین حال هیچکدام بدون دیگری معنا ندارد و امکان بقا ندارد. این مشکل و تناقض جدی ناسیونالیسم و در عین حال سرمایه داری در عصر حاضر است. سرمایه داری بدون ناسیونالیسم معنا ندارد و با ناسیونالیسم هم در دراز مدت امکان بقا ندارد.

چگونه؟ یکی از تاثیرات و خدمات سرمایه داری ایجاد کشورهایی بر اساس دولت ملتها بود. دوره قبل از آن تقریباً همه دنیا قلمروهای قبایل و طوایف و خانها و اشراف بودند و این قلمروها هرکدام قواعد و معیارها و قوانین خاص خودشان را داشتند که روسای قبایل یا شاهان یا ملوک در هر جایی تعریف و تعیین کرده بودند و این قواعد و

ایجاد ملتها و کشورها و دولت - ملتها با تبلیغات و تهییجات، تئوریهها، و تزها و فلسفه بسیار فعال و وسیع توسط ناسیونالیستها انجام شد و سخنگویان و مبلغین و موعظه گران و فلاسفه و تئوریسینهای ویژه خودش را داشت. یک جنبش ایدئولوژیک، سیاسی، فلسفی، تبلیغاتی وسیع در همه کشورها شکل گرفت که هدفش جا انداختن و تحمیل و حقنه کردن تفکر ملی و ناسیونالیستی بود.

دولتهای دیگر، اشغالگریها، ایجاد قلمروهای استعماری و امپریالیستی، اینهم بخشی از تاریخ سرمایه داری و ناسیونالیسم است. به همین دلیل ما در همه گوشه و کنار جهان ناسیونالیسم غالب و مغلوب داریم. بسیاری از مردم به دلیل انتساب به ملتتهای تحت مورد تبعیض و ستمگری و محدودیتهای و محرومیتها قرار داشته اند و دارند. و همین زمینه جنگ های ملی و رهایی بخش را فراهم آورده است و اینها در واقع بخش اعظم تاریخ قرن نوزده و بیست را بیان میکند.

در ادامه این جنگها و جنبشها، در اواسط قرن بیست یک توازنی در جهان میان قلمروهای استعماری و امپریالیستی برقرار میشود. بازار جهانی با این جنگها تقسیم میشود. قدرتهای جهانی شکل میگیرند که حوزه نفوذ خود را دارند و اینها بعد از جنگهای جهانی به توازن و مرزهای تعریف شده ای میرسند. انگلستان، اسپانیا، پرتغال، فرانسه در یک مقطع بر دنیا سروری میکنند و بعد در مقطع دیگری آمریکا و شوروی سابق بر بخش اعظم جهان سلطه دارند.

بهر حال نتیجه ای که میخوایم بگیریم اینست که در قرن بیست دنیا به حوزه های نفوذ میان قدرتهای جهانی تقسیم میشود و توازنی شکل میگیرد

تضاد منافع بخشهای مختلف سرمایه هم در این رابطه مهم است. علیرغم جهانی شدن سرمایه داری، بخشی از سرمایه ها عمدتاً به محدوده ها و بازارهای ملی متکی هستند و باز شدن مرزها آنها را تضعیف و ورشکست میکند و با توسل به تبلیغات و تعصبات ملی سعی میکنند جلوی این جهانی شدن و باز شدن مرزها را بگیرند.

موانع و تعصبات ملی بیرون میزند. هم خود ناسیونالیسم دیگر به یک اهرم قوی در چارچوب سرمایه تبدیل شده که براحتی نمیشود آنرا با اهرمهای سرمایه داری کنار زد، و هم اینکه سرمایه داران وحشت دارند از اینکه مرزها برچیده یا حتی تضعیف شوند. نمیشود سرمایه جهانی شود اما کارگر جهانی نشود. نمیشود سرمایه جهانی حرکت کند اما مردم و کارگران در محدودهای ملی زندانی شوند. این تناقض جدی سرمایه داری است. سرمایه احتیاج به بازار جهانی و زندانی کردن کارگر در محدوده ملی دارد. و این تناقض در چارچوب سرمایه قابل حل نیست. همین است که کشاکشهای بسیاری را دامن زده است. اتحادیه اروپا تشکیل میشود اما در کنارش "برگزیت" بوجود می آید و یک کشور مثل انگلستان

ادامه از صفحه ۸

جدا میشود و جریانات دست راستی و فاشیستی در کشورهای اسپانیا و آلمان و ایتالیا رشد میکنند و تلاش میکنند الگوی برگزیت را پیاده کنند. نفتا و اتحاد آمریکای شمالی ایجاد میشود در کنارش ترامپ هم جلو می آید و استراتژی دیوار کشیدن میان آمریکا و همسایگانش را مطرح میکند! سیاستهایی مثل دیوار کشیدن در مرزها از دیوانگی ترامپ نبود از تناقضات واقعی اقتصادی و اجتماعی در درون سرمایه داری شکل میگیرد.

۳ - ناسیونالیسم خالق ملت است

اما برگردیم به معنای ناسیونالیسم و ملت. ناسیونالیسم خالق ملت است. خالق دولت ملت‌هاست. برخلاف آنچه که خیلی ها تصور میکنند یا تبلیغ میکنند، این ملت نیست که ناسیونالیسم را بوجود آورده، بلکه این ناسیونالیسم است که ملت را شکل داده. هیچوقت به مفهوم ملت فکر کرده اید؟ ملت چیست؟ وقتی که در مفهوم ملت دقیق شوید متوجه میشوید که این پدیده ای که همه از آن حرف میزنند یک مفهوم گنگ و ناروشن است. ملت چیست؟ آیا کسانی که به یک زبان حرف میزنند ملتند؟ نه خیلی ها به زبان فارسی حرف میزنند و جزو ملت تاجیکستان حساب میباشند. عده ای جزو ملت افغانستان حساب میشوند عده ای هم جزو ملت ایران حساب میشوند. در مورد زبانهای دیگر هم همینطور است. عربی انگلیسی اسپانیایی به اینها فکر کنید ببینید چندین ملت به هر یک از این زبانها حرف میزنند. بنابراین زبان واحد بیانگر ملت بودن نیست. آیا سرزمین واحد میتواند ملت را توضیح دهد؟ نه. الان خیلی ها در ایران زندگی میکنند و ایرانی حساب نمیباشند. حتی خیلی ها هستند که در ایران متولد شده اند و ایرانی حساب نمیباشند. چونکه پدرشان افغانستانی یا عراقی بوده است. آیا کسانی که در

یک چارچوب اقتصادی زندگی میکنند ملتند؟ نه؟ بعضی ها سابقه تاریخی مشترک را به تعریف ملت اضافه میکنند تا ابهامات را حل کنند غافل از اینکه به تناقضات جدی تری روبرو میشوند. سابقه تاریخی مردمی که بفرض در محدوده کشور ایران و سوریه و عراق زندگی میکنند بسیار متفاوت است. بعضی از مردم منطقه قبلا در محدوده کشور ایران یا کشور دیگری زندگی میکردند و الان به ملت و کشور دیگری تعلق دارند. بنابراین سابقه و تاریخ هم کمکی به روشن تر شدن تعریف ملت نمیکند. نهایتا به این نتیجه میرسیم که ملت یعنی کسانی که خودشان را ملت میدانند یا ناسیونالیستها آنها را بعنوان ملت برسمیت میشناسند. و هیچ تعریف و معیار دیگری برای آن قابل دفاع و اثبات نیست. ناسیونالیسم تعیین میکند که چه کسانی جزو کدام ملت باشند و این همیشه روی پیشانی شان میماند. عضویت و وابستگی به ملیت را نمیشود مثل مذهب حتی عوض کرد. کسی که مسلمان است میتواند یک روزی بگوید من از امروز مسیحی یا بودایی و غیره هستم و یا بر عکس. اما کسی که جزو ملت ایران و انگلستان است نمیتواند تصمیم بگیرد که ملیتش را عوض کند. این را ناسیونالیسم برای شما تعیین کرده و چه بخواهید چه نخواهید توی است که بر گردنتان اویزان است.

۴ - ویژگی ناسیونالیسم و ملیت گرایی

مهمترین خاصیت ناسیونالیسم اینست که تعصب به یک خطه و چارچوبه ملی را دامن میزند و آدمهایی را که هیچ اشتراک منافی ندارند کنار هم و پشت سر طبقه حاکم آن چارچوب ملی به صف میکند. کارگر ایرانی در کنار سرمایه دار ایرانی قرار میگیرد. ملت و ملیت به آدمها القا میکند که نزدیکی و پیوندشان با هم ملیتهایی که برایشان تعریف شده از پیوندشان با هم طبقه ای هایشان محکم تر و اصیل

تر و مهم تر است. یک کارگر ایرانی با سرمایه دار ایرانی قرار است احساس نزدیکی بیشتری کند تا با یک کارگر عراقی یا افغانستانی یا انگلیسی. این نکته بسیار مهمی است. تمام ایدئولوژیها و تعصبات چنین خاصیتی دارند. مذهب هم همینطور است. آدمها را بر اساس اعتقادشان به مذهب کنار هم قرار میدهد یا از هم دور میکند. ناسیونالیسم از این نظر خاصیتی که دارد همه چیز را به چارچوبه ملی گره میزند و سرمایه داری را به مرکز می آورد. سرمایه داران مصالح به میان مردم میبرند. اقتصاد ملی، پیشرفت ملی، رونق ملی، امنیت ملی و... الی آخر

ابزار اصلی ناسیونالیسم تعصب پراکنی است. تعصب جزء پایه ای ناسیونالیسم است.

۵ - ستم ملی، مساله ملی

اینجا اشاره ای هم به ستم ملی و مساله ملی داشته باشیم. تاریخ سرمایه همانطور که اشاره کردم تاریخ کشورگشایی ها و جنگها و قلمروگشاییهاست. این بدان معناست که یک سری کشورها و مرزها و قلمروها بزور و با جنگ و تحمیل به کشور دیگری الحاق میشوند. مردمی که جزء ملت‌های مغلوب هستند با این کشورگشایی ها زیر ستم و تبعیض قرار میگیرند، از یک سری از حقوق خود محروم میشوند، از تکلم به زبان مادری خود محروم میشوند، نسبت به بقیه مردم از امکانات رفاهی کمتر و محدودتری برخوردار میشوند و بدرجات مختلف مورد تعرض و توهین و تحقیر قرار میگیرند.

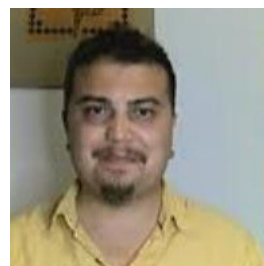
همه اینها باعث میشود که جنبشهای ملی، جنبشهایی برای رهایی ملی شکل بگیرد که هدف آن جدا شدن از ملت و دولت غالب و تشکیل دولت‌های مستقل است. مردم در مناطق تحت ستم برای رهایی از ستم و تبعیضات و تحقیر و غیره وارد این جدال میشوند. و حق دارند برای رهایی خود جدال و مبارزه کنند. در برخی مناطق این تلاش و این مبارزه فضای جامعه را تحت الشعاع خود قرار میدهد و در نتیجه

ما با مساله ای بنام مساله ملی روبرو هستیم. ستم ملی همه جا به مساله ملی منجر نمیشود. اما مساله ملی کاملا به ستم ملی ربط و پیوند دارد. این دو علیرغم نا همگونی های زمانی ای که در مقاطعی پیدا میکنند، کاملا به هم مربوطند.

در مناطقی که رفع ستم ملی مشغله مردم شده، ناسیونالیستها اینطور تبلیغ میکنند که با رفع ستم ملی همه مسائل و مشکلات حل خواهد شد. اما واقعیت این نیست. ستم و تبعیض و استثمار تا زمانی که سرمایه داری حاکم است ادامه دارد.

ما کمونیستها از برابری همه مردم دفاع میکنیم. از رفع ستم و تبعیض زبانی، فرهنگی، ملی، و اقتصادی علیه هر بخش مردم دفاع میکنیم و در عین حال تبلیغات ناسیونالیستها که رفع ستم ملی را معادل رفع استثمار و کل تبعیضات و ستمگرها قلمداد میکنند افشا میکنیم. جریانات ناسونالیست از فضای اعتراضی برای دامن زدن به ناسونالیسم و سنتهای عقب مانده ملی و دور کردن اذهان عمومی از مبارزه برای برابری و آزادی و علیه استثمار استفاده میکنند. این یک کشاکش در درون جنبشهای ملی است که باید توجه کرد. این جنبشها عموما جنبشهای برحق برای رفع تبعیض است. و در عین حال باید متوجه تبلیغات و تعصبات ناسیونالیستها بود و آنها را در میان مردم منزوی کرد. باید به مردم نشان داد که رهایی ملی، بر خلاف آنچه ناسیونالیستها تبلیغ میکنند به معنای رهایی از کل سیستم ظلم و ستم و فقر نیست. بلکه برای رهایی اساسی و عمومی، باید نه فقط ستم ملی بلکه کل سلطه طبقاتی را از میان برداشت و این کار ناسونالیستها نیست. تجربه تمام جنبشهای ملی و استقلال طلبانه این را بخوبی نشان میدهد که کارگران و مردم با رفع ستم ملی از ستم و استثمار و فقر و تبعیضات خلاص نمیشوند. بلکه رفع این تبعیضات و استثمار و ستمگری ها کار مبارزه و انقلاب علیه سرمایه داران بطور کلی است.

چهار دهه مبارزات دانشجویان مقابل حکومت زن ستیز امیر عسگری



دانشجویان دختر و پسر در صفوف انقلاب و همچنین سازماندهی بخشی از مبارزات ضد سلطنتی که منجر به انقلاب مردمی در سال ۵۷ شد نقش برجسته ای ایفا کردند.

پس از آن با روی کار آمدن حکومت اسلامی در دورانی که هنوز این حکومت با قتل عام بر بدنه انقلاب سوار نشده بود، در دوران حد فاصل انقلاب ۵۷ تا ما قبل پروژه ضد انقلاب فرهنگی، دانشگاه به مرکز بحث آزاد و فعالیت روشنگرانه تبدیل شده بود و زنان و دختران در دل این هسته ها فعال بودند. دختران دانشجو با تمامی فشارها هم در مباحث نظری در اوایل انقلاب حضور داشتند و هم سازماندهی بخشی از مبارزات سیاسی این دوران را بر عهده داشتند. با دستور تحمیل حجاب اجباری توسط خمینی دانشجویان دختر به همراه تمامی زنان و مردان مبارز به عنوان فعالین جنبش نوین رهایی زن خیابانها را در ۸ مارس پر کردند و علیه اسلام سیاسی که آمده بود حجاب را که زندان متحرک اسلامی است به زنان تحمیل کند، جانانه ایستادند و نشان دادند که این اندیشه جایی در نزد زنان آزادیخواه و مردان برابری طلب ندارد.

دختران دانشجو از همان انقلاب ۵۷ دوش بدوش دانشجویان پسر در مقابل اسلام سیاسی و در برابر قوانین زن ستیز و پوسیده مذهبی ایستادگی کردند و در ابعادی گسترده تر از گذشته در جهت خلاصی از وضعیت موجود به مبارزات خود ادامه دادند. این زنان و دختران بودند که همراه با مردان از همان سال ۵۷ تا برهه "انقلاب فرهنگی" حکومت تا سال ۶۰ با ارتجاع اسلامی و گله های

حزب الهی جنگیدند و در این راه قربانیان زیادی دادند. طرح جنایتکارانه انقلاب فرهنگی نتوانست دختران و پسران دانشجو را ساکت کند و بالعکس موجب آن شد تا به مبارزات خود در تمامی این سالها ادامه داده اند. در دهه های بعد از این جریان شاهد اوج اعتراضات دانشجویی و گسترش سرنگونی طلبی در دل دانشگاه هستیم و این دختران هستند که در کنار مردان صفوف اولیه این جنبش را تشکیل داده و بخش آن را نیز هدایت میکنند.

اعتراضات و گفتمان سازی در دهه های اولیه تحمیل شدن حکومت اسلامی بر مردم در سال ۱۳۷۸ در جریان اعتراضات کوی دانشگاه تهران خود را نشان میدهد. هرچند که مقاومت کوی دانشگاه با جنایات گسترده نیروهای حزب الهی و بسیجی در هم شکسته شد، اما مقابله دانشجویان دختر و پسر با جنایان حاکم به نقطه عطف مبارزات دانشجویی بدل گردید و پس از آن دوره شاهد اعتراضات هستیم که به شکلی آشکار بساط حکومت اسلامی را هدف قرار داده و قدم به قدم بر رادیکالیسم خود در این مبارزه بی امان میافزاید. در دهه های پیش رو شاهد عروج و اوجگیری خشم مردم و فعالیت گسترده دانشجویان در دل اعتراضات بودیم. خیزش ۸۸ که ابتدا به بهانه اعتراض به نتیجه انتخابات شکل میگیرد، در ادامه به مبارزاتی بدل میشود که ریشه های حکومت اسلامی را هدف حمله خود قرار میدهد. در هر دوی اعتراضات کوی دانشگاه و ۸۸ دانشجویان دختر فقط در کنار مردان نایستادند بلکه نقش رهبری بخشی از این اعتراضات را

همچون لیدرهای مرد بر عهده داشتند.

سیر مبارزات طبقاتی و سیاسی در جامعه بالا میگیرد و شاهد عروج خشم توده های مردمی و همراه با آن همگرایی و اعتراض دانشجویان در سطح وسیع در سالهای ۹۶، ۹۷ و دست آخر خیزش مردمی آبان ۹۸ هستیم. جنبش اعتراضی در این چهار دهه به حدی بالا میگیرد که دست آخر گفتمان و نوع ادبیات رادیکال فعالین را به کلی تغییر داده و سطح کلان سیاسی کشور را هدف خود قرار میدهد و با تغییر در توازن قوای سیاسی شاهد عصری میشویم که جمهوری اسلامی را به لبه پرتگاه سرنگونی نزدیک تر کرده است.

در این برهه است که شاهدیم در دل جنبش دانشجویی و رهبریت جریانات سیاسی دانشگاه دختران نقش رهبریت شوراها و تشکلهای مستقل را نیز بر عهده دارند و بخش مهمی از مبارزات را خط دمی سیاسی میکنند. در همان حین است که سپاه با شلیک مستقیم موشکهای دست به کشتار مسافران هواپیمای مسافربری اوکراینی PS752 میزند. این بار دانشجویان که در آبان همان سال خیز برداشته بودند تا حکومت اسلامی را به زیر بکشند بار دیگر خشمگین ابتدا از دانشگاه پلی تکنیک شروع به اعتراض میکنند. در سراسر دانشگاههای کشور اعتراضات گسترده ای شکل میگیرد.

دختران و پسران دانشجو از یک سو پرچم دادخواهی ۱۵۰۰ کشته آبان را همراه با ۱۶۷ کشته هواپیمای اوکراینی را در دست خود میگیرند، و از سوی دیگر با شعارهایی رادیکال خواهان نابودی حکومتی میشوند که فلاکت عمومی را به جامعه تحمیل کرده و قاتل مردم است.

کرونا برای چند مدت کوتاه به کمک حکومت اسلامی میاید ولی مبارزات دانشجویی حتی در اوج کرونا با بیانیه ها، سخنرانی ها و با پراکنش کردن هر اکت ممکن سیاسی فضای مبارزاتی دانشجویی و کلان کشور را تحت تاثیر قرار میدهد. همگرایی و حمایت دانشجویان از اعتصابات در تابستان ۹۹ و همچنین دادخواهی علیه تجاوز در سیستم آموزشی کشور کل حکومت را هدف قرار میدهد. بحث دادخواهی و در نتیجه آن صدور قطعنامه ها و بیانیه ها از سوی نهادهای مدافع حقوق انسانی در محکومیت جمهوری اسلامی بخاطر سرکوب، شکنجه و حتی کشتار فعالین و همچنین حمایت متقابل دانشجویان از مبارزات کارگران، بازنشستگان، بیکاران و مزدبگیران و تمامی زحمتکشان همه و همه دستاوردهایی هستند که در این برهه جنبش دانشجویی را در قامت فراتر از مبارزات صنفی در داخل دانشگاه به عنوان بخشی مهم از جنبش سرنگونی جلو می آورد.

بیدهی است که دانشجویان با بیشتر شدن موج سرکوب و بازداشت فعالین و انتصابات دست اندازی ها به تشکلات دانشجویی، به سوی تشکل یابی مستقل به عنوان راهکار مبارزاتی روی می آورند. در دل این تشکلهای مستقل که کنار دانشجویان پسر چه بسا بیشتر از مردان این دختران دانشجو هستند که نقش سازماندهی و حتی رهبری بخش عظیمی از آن را نیز برعهده دارند. تشکل یابی و تشکل های مستقل دانشجویی خواستهایی رادیکال از جمله؛ آزادی در پوشش و لغو حجاب اسلامی، آزادی تشکل، لغو دست اندازی دین در دانشگاه و درس دانشگاهی، عدم ورود نیروهای امنیتی و نظامی همچون بسیج به دانشگاه، اداره شورایی دانشگاه به دست دانشجویان را طرح میکنند.

نقش فعال زنان و دختران در دل جنبش سرنگونی و عرصه های مختلف آن بیش از پیش خود را در جامعه نمایان کرده است. بیانیه ها، مباحث، گفتمان ها و بخش مهمی از ایده پردازان جنبش دانشجویی در حال حاضر زنان و دختران هستند. جنبشی که زنان نقش ویژه ای در آن دارند خودش را برای گام بعدی علیه کلیت حکومت اسلامی آماده میکند که در آبان ۹۸ نیمه کاره مانده و باید به حیاط ننگین جمهوری اسلامی که تمامی حقوق انسانی را از یک جامعه سلب کرده خاتمه دهد.

اطلاعیه های حزب

سرکوب و نفرت پراکنی علیه بهائیان
بشدت محکوم است!قطعنامه ده تشکل از کارگران، بازنشستگان و معلمان به
مناسبت گردهمایی هفدهم اسفند ماه در مقابل وزارت کار

ده گروه از تشکلهای کارگری و معلمان و بازنشستگان که به فراخوان بازنشستگان تامین اجتماعی به گردهمایی مقابل وزارت کار در هفدهم اسفند ماه پیوسته بودند، طی بیانیه مشترکی بر خواستهها و اهداف مبارزاتی خود تاکید کرده اند.

در این بیانیه بر پیگیری جمعی و متشکل خواستههای خود از جمله مزد حداقل سال آینده و پافشاری بر خواستهها، ایجاد تشکلهای کارگری و پایان دادن به ساز و کار شورای عال کار و کمیته مزد، با ایجاد تشکلهای کارگری و انتخاب نمایندگان واقعی تاکید شده است و نسبت به شیوه های سرکوب مزدی از جمله تعیین مزد به صورت مزد منطقه ای، توافقی و یا هر ترفند دیگری از این دست اعلام انزجار و اعتراض شده است. این کارگران و معلمان و بازنشستگان همچنین در بیانیه خود بر مزد مساوی برای کار مساوی و الغای هرگونه تبعیض و دیرکرد در پرداخت مزد، و مبارزه متحدانه برای برچیدن شرکت های پیمانی و قراردادهای ظالمانه تاکید کرده اند. این تشکلهای در بیانیه خود بر موظف بودن دولت در قبال تامین حداقل معیشت مناسب برای بیکاران و افراد جویای کار و اشتغال زایی و مبارزه برای آن پافشاری کرده اند و اعلام کرده اند که اعتراض و مقاومت جمعی در مقابل سرکوبها و حق کشی ها و تعقیب و آزار کارگران و فعالان کارگری، دانشجویان و بازنشستگان و برای توقف کامل تعقیب های قضائی و تهدیدها و تضییقات مختلف علیه این فعالان را حق خود میدانند و به این مبارزه متحدانه ادامه خواهند داد. بیانیه همچنین بر پایان دادن به خصوصی سازی ها که به زیان همگانی مردم است و نتیجه ای جز از بین رفتن منابع عمومی و فسادپروری و اختلاس ببار نیاورده است، تاکید دارد.

در پایان این بیانیه بر حق اعتصاب، تجمع، راهپیمایی و ایجاد تشکلهای مستقل

صدور کارت ملی و به تبع آن محرومیت از ادامه تحصیل در دانشگاه، ممنوعیت کار در مشاغل دولتی، تعطیل کردن کسب و کار بهائیان، مصادره املاک و دارایی ها، ممنوعیت معاملات بانکی، عدم پرداخت حقوق بازنشستگی، ممنوعیت مرادوات اجتماعی و برگزاری جلسات و اجرای مراسم مذهبی، عدم صدور جواز دفن، تخریب قبرستانها و اماکن آنان و پیگرد دائمی توسط قوه قضائیه و دستگاه های امنیتی و انتظامی و صدور قوانین جزایی و کیفری و محکومیت های سنگین، بخشی از کارنامه سیاه و جنایتکارانه جمهوری اسلامی علیه بهائیان بوده است.

حزب کمونیست کارگری رفتار ضد بشری و فاشیستی جمهوری اسلامی با شهروندان منتسب به بهائیت را قویا محکوم می کند و از همه مردم شریف و آزاده می خواهد که به بهایی ستیزی و اذیت و آزار بهائیان اعتراض کنند و نگذارند بخشی از شهروندان اینچنین مورد ظلم و جنایت قرار گیرند. مذهب امر شخصی افراد است و هیچکس را تحت هیچ بهانه ای نباید به دلیل باورها و اعتقاداتش تحت تعقیب و آزار و شکنجه قرار داد.

ما از جامعه جهانی و نهادها و سازمان های بین المللی می خواهیم که جمهوری اسلامی را به دلیل این رفتارهای ضد بشری طرد و منزوی کنند. بایکوت جمهوری اسلامی اولین پاسخ به اعمال جنایتکارانه حکومت اسلامی است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۲ اسفند ۱۳۹۹، ۱۲ مارس
۲۰۲۱

افشای اسناد غیر قابل کتمان جلسه محرمانه ۳۱ شهریور سال جاری در فرمانداری ساری که در جهت سرکوب و کنترل و شدت بخشیدن به آزار و اذیت سیستماتیک بهائیان با حضور نمایندگان از ۱۹ سازمان اطلاعاتی و امنیتی کشور برگزار شده بود، بار دیگر بهایی ستیزی نهادینه جمهوری اسلامی را آشکار کرد. مصادره زمین های کشاورزی ۲۷ خانواده بهایی ساکن روستای «ایول» در نزدیکی شهر ساری، ابلغیه به وزارت آموزش و پرورش و اجبار معلمان و مدیران مدارس برای تحت فشار گذاشتن و تحقیر دانش آموزان بهایی و ممانعت از ادامه تحصیل آنان بخش هایی از این سند است.

نه فقط فرمانداری ساری، بلکه کل پیکره منفرود حکومت اسلامی و شالوده آن بر سرکوب و نفرت پراکنی مذهبی، تبعیض و نابرابری استوار است. جمهوری اسلامی از بدو سر کار آمدن، از هیچ جنایتی علیه شهروندان منتسب به بهائیت فروگذار نکرده است و با وضع ارتجاعی ترین قوانین به قصد نسل کشی و حذف دائمی بهائیان با پرونده سازی و پاپوش دوزی و غیرقانونی کردن آئین بهائیت با نجس و فرقه طاله اعلام کردن آنان، عملا خون آنان را حلال اعلام کرده است.

آدم ربایی، دستگیری و شکنجه و حبس های طولانی و اعدام بیش از ۲۰۰ زن و مرد و حتی نوجوان و کودک به جرم تبلیغ برای آئین بهائی و دستگیری چندین هزار نفر دیگر با پرونده سازی های نخ نما همیشگی و آزار و اذیت سازمان یافته حکومتی بی وقفه تداوم داشته است. محرومیت از

برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، اتحاد بازنشستگان، شورای بازنشستگان ایران، اتحاد سراسری بازنشستگان ایران، کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری، و گروه کانون گفتگوی بازنشستگان تامین اجتماعی.

خواستههای اعلام شده در این بیانیه بیانگر خواستههای همه مردم است و باید از این مطالبات وسیعا حمایت کرد. هم اکنون جنبش وسیعی حول خواست افزایش دستمزدها به بالای دوازده میلیون شکل گرفته است. علاوه بر این تشکلهای ۲۴ گروه از تشکلهای کارگری دیگر در شهرهای مختلف کردستان و کرمانشاه و در تهران و نیز اتحادیه آزاد کارگران ایران و کارگران غیر رسمی نفت بر خواست افزایش دستمزدها به بالای دوازده میلیون تاکید کرده اند. حزب کمونیست کارگری ایران از جنبش برای خواست افزایش دستمزدها به بالای دوازده میلیون و خواستههای سراسری ای چون درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن و حق تشکل، حق اعتصاب و حق تجمع بعنوان حقوق مسلم کل جامعه حمایت قاطع خود را اعلام میکند و همه بخش های جامعه را به پیوستن به این اعتراضات و گرد آمدن حول این خواستهها فرا میخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ اسفند ۱۳۹۹، ۸ مارس ۲۰۲۱



ادامه اعتراضات معلمان شیراز بخاطر حذف سنوات خدمتی

معلمان در تدارک اعتصابی سراسری هستند



اعتراض‌ها به پایین بودن قدرت خرید و سطح نازل حقوقها با خواست افزایش دستمزدها به بالای ۱۲ میلیون یک جنبش قدرتمند در جامعه است و معلمان یک نیروی مهم این جنبش هستند.

فراخوان بازنشستگان به تجمع سراسری در ۲۴ اسفند

خیابون، بدست میاد حقمون، دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست، بارها و بارها فریاد زده اند.

بازنشستگان تامین اجتماعی در ادامه تجمعات اعتراضی و برای پیگیری مطالباتشان برای ساعت ده و نیم صبح روز ۲۴ اسفند به تجمعی سراسری در مقابل سازمان تامین اجتماعی در تهران و مراکز آن در شهرستانها فراخوان داده اند. تجمع قبلی آنها در ۱۷ اسفند ماه برگزار شد که در تهران با افراشته شدن پرچم افزایش دستمزدها به بالای ۱۲ میلیون به مرکز اتحاد مبارزاتی بازنشسته، کارگر، معلم و بطور واقعی ۹۹ درصدی های جامعه تبدیل شد.

همسان سازی حقوقها و افزایش آن به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی، درمان و تحصیل رایگان و داشتن حق مسکن برای همه، حق تشکیل، اعتصاب و تجمع و پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات، پایان دادن به اختلاسها و دزدیها و بازگرداندن پولهای به سرقت رفته از صندوق بازنشستگی به این صندوق از جمله مطالبات بازنشستگان تامین اجتماعی است و این مطالبات را در قطعنامه ها و بیانیه هایشان بارها اعلام کرده اند. بازنشستگان به فقر و فلاکت و گرسنگی، به تبعیض و نابرابری و به بساط سرکوب و چپاول حاکم اعتراض دارند و این را در شعارهای کوبنده ای چون "بازنشسته بیدار است از تبعیض بیزار است"، "حقوقهای نجومی، فلاکت عمومی"، "کشور ما رو گنجه، بازنشسته در رنجه"، "تا حق خود بگیریم، از پا نمی نشینیم"، "منزلت، معیشت، حق مسلم ماست"، "فقط کف

تجمع بازنشستگان در روز ۱۷ اسفند که حمایت بخشهای وسیع کارگران و معلمان را همراه داشت، مورد یورش نیروهای انتظامی قرار گرفت و در جریان آن سه نفر بازداشت شدند که دو نفر از آنها بعدا آزاد شدند اما یکی از آنها بنام کامران فکور خبرنگار هنوز در زندان است. این یورش وحشیانه با اعتراض وسیعی از سوی گروههای مختلف بازنشستگان، معلمان و کارگران روبرو شده و یک خواست فوری همگی آنها آزادی فوری و بدون قید و شرط کامران فکور و مسدود شدن پرونده های امنیتی تشکیل شده برای بازداشت شدگان آن روز و توقف حمله به تجمعات اعتراضی است. در هفدهم اسفند علاوه بر تهران بازنشستگان تامین اجتماعی در ۲۴ شهر دیگر تجمع اعتراضی برپا داشتند و با چنین قدرت سراسری ای اکنون آنها به استقبال گردهمایی بدی خود در روز ۲۴ اسفند میروند و خواستههایشان را طلب میکنند.

بازنشستگان یک بخش رزمنده جامعه هستند و خواستههای آنها خواستههای همه مردم است و باید وسیعا از اعتراضات و خواستههای آنها حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ اسفند ۱۳۹۹، ۱۱ مارس ۲۰۲۱

تاکید کرده اند. اعتراضها به پایین بودن قدرت خرید و سطح نازل حقوقها با خواست افزایش دستمزدها به بالای ۱۲ میلیون یک جنبش قدرتمند در جامعه است و معلمان یک نیروی مهم این جنبش هستند. معلمان تجربیات ارزنده ای در برپایی اعتصابات سراسری دارند. از خواستهها و مطالبات معلمان باید وسیعا حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۰ اسفند ۱۳۹۹، ۱۰ مارس ۲۰۲۱

خواهیم گذاشت". در گزارش قبلی خبر دادیم که معلمان در اعتراض به سطح نازل دستمزدها و برای پیگیری مطالباتشان در تدارک اعتصاب سراسری دیگری هستند. معلمان بارها در تجمعاتشان بر افزایش حقوقها به بالای خط فقر ۱۲ میلیونی، درمان و تحصیل رایگان برای همه، حق داشتن مسکن، پایان دادن به امنیتی کردن مبارزات و آزادی همکاران دربند خود و پایان دادن به اختلاسها و دزدیها

روز ۱۹ اسفند جمعی از معلمان استان فارس در اعتراض به حذف سنوات خدمتی فارغ التحصیلان دانشسرای شاغل و عدم اجرای وعده وعیدها و نیز شرایط نابسامان آموزش، در محوطه اداره کل آموزش و پرورش شیراز تجمع کردند. در این تجمع یکی از معلمین به سخنرانی پرداخت و گفت: "من از قول همه همکاران میگم که در صورتی که به داد ما نرسید، علیرغم میل باطنی مان از ۱۵ فروردین کلاسها را زمین



تلخیص اخباری از تحرکات اعتراضی در مراکز نفتی

- روز ۱۸ اسفند شماری از کارگران شرکت فرآورده‌های نفتی شهرستان ماهشهر در اعتراض به عدم اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و سطح نازل دستمزدهایشان در مقابل ساختمان فرمانداری تجمع کرده و خواستار رسیدگی به مطالبات خود شدند.

- روز ۱۷ اسفند کارگران پتروشیمی تخت جمشید در اعتراض به نقض دستورالعمل‌های سازمان بهداشت سازمان جهانی در مقابله با بیماری مرگبار کرونا و حتی عدم رعایت قوانین خود منطقه ویژه اقتصادی صدای اعتراض خود را رسانه ای کردند. به گفته آنها حتی برای داشتن سلامت هم حق مطالبه‌گری از آنها سلب شده است.

بنا بر خبر دیگری گفته میشود که حدود ۳۰۰ کارگر بومی که ۷ سال است در پروژه‌های پارس جنوبی و فاز ۱۳ عسلویه مشغول به کار هستند قرار است در پایان امسال از کار اخراج شوند. به این کارگران گفته شده است که تا پایان سال اخراج خواهند شد و کارگران جدید با آنها جایگزین خواهند شد. با پایان گرفتن سال قراردادهای کاری بسیاری از کارگران در این منطقه تمدید نمیشود و پیمانکاران مفتخور با آوردن کارگران جدید به جای کارگران اخراجی تلاش میکنند همواره سطح دستمزدها را پایین نگاه دارند. این وضعیت زمزمه‌های اعتراض در میان کارگران پروژه‌های پارس جنوبی را شدت داده است.

خودکشی تکان دهنده دو کارگر در پتروشیمی و فضای پر از اعتراض در مراکز نفت

بنابر خبرهای دریافتی صبح روز ۲۰ اسفند یکی از کارگران بنام مسعود محمدی بخاطر طلب ۴ ماه مزد و فشار اقتصادی سنگین بر روی خانواده اش بدلیل اینکه پیمانکار ۴ ماه حقوق کارگران را پرداخت نکرده و فقط هر ماه با مساعده خیلی ناچیز آنها را

سر میدواند، اقدام به گرفتن مرخصی ساعتی کرد و بعد از رفتن به خوابگاه متاسفانه خود را به دار آویخت. این خیر آنچنان تکان دهنده و شوک آور بود که بعد از ظهر دیروز میلاد محمدی پسر عموی وی نیز در یک حالت شوک دست به خودکشی زد. درگذشت این دو کارگر جوان را به خانواده هایشان، به کارگران پتروشیمی عسلویه و به همگان تسلیت می‌گوییم.

آخر سال است و معضل عدم پرداخت دستمزدها و عیدی و دیگر طلبهای کارگران و در کنار آن پایان قراردادهای یکساله و موقت بسیاری از کارگران و خطر از دست دادن شغل زندگی و معیشت بسیاری از کارگران را به تلاطم انداخته است. زیر فشار چنین شرایط سختی و معیشتی و از شدت خشم و نفرت است که در مواردی کارگر دست به خودکشی میزند. خبر شوک آور مرگ مسعود و میلاد محمدی فضای اعتراض شدیدی در میان کارگران ایجاد کرده است و کارگران، پیمانکار مفتخور و جنایتکار را بدرست عامل اصلی مرگ این دو کارگر میدانند.

مرگ تکان دهنده این دو کارگر را باید بعنوان یک جنایت مفتخوران سرمایه دار و پیمانکاران در کارنامه آنها ثبت کرد و علیه زورگویی‌ها و مفتخوریهای آنها دست به مبارزه و اعتراض زد. خانواده و بازماندگان این دو کارگر را باید مورد مهر و محبت و حمایت قرار داد و دولت و کارفرما موظف است به آنها غرامت بپردازد و زندگی آنها را تامین نماید. با اتحاد مبارزاتی خود و گسترش اعتراضاتمان کاری کنیم که کارگری که حق و حقوقش را طلب میکند خود را قدرتمند ببیند و اجازه ندهیم در برابر مشقات زندگی خود را تنها ببیند. یک خواست بدیهی کارگران پرداخت بموقع دستمزد و طلبهای کارگران است و نباید اجازه داد بیش از این، این وضعیت ادامه یابد.

۱۹ اسفند: تجمع اعتراضی

کارگران قرارداد موقت مقابل وزارت نفت

امروز ۱۹ اسفند ماه شماری از کارگران قرارداد موقت نفت به نمایندگی از همکارانشان در اعتراض به قراردادهای موقت کاری و تبعیض در شرایط کاری و سطح حقوقهایشان دست به تجمع زدند. اعتراض اصلی این کارگران به سطح نازل حقوقها و قراردادهای برده وار موقت کاری است. در این حرکت اعتراضی کارگران با شعارهایی چون "اینهمه قول و وعده، وزیر عمل نکرده"، "تبدیل وضعیت حق مسلم ماست" صدای اعتراض خود را بلند کردند. به گفته کارگران به آنها در قبال کار مساوی با کارگران رسمی حقوقهایی بسیار کمتر یعنی حدود ۴ میلیون پرداخت میشود که یک سوم خط فقر دوازده میلیون است. اشاره کنیم که گرانی سرسام آور قیمت‌ها افت معیشتی کارگران رسمی را نیز باعث شده است و در این رابطه این بخش از کارگران در چهارم بهمن ماه مقابل وزارت نفت تجمع داشتند.

تجمع کنندگان اعتراض دارند که با اینکه بیش از هفتاد درصد کارگران شاغل در نفت نیروهای موقت و پیمانی هستند و بار صنعت نفت اساسا بر دوش آنها قرار دارد، اما وزارت نفت با تحمیل شرایط بسیار دشوار کاری بر دوش آنها از بسیاری از حق و حقوق پایه ای آنها را محروم نگاهداشته و علیرغم اعتصاب سراسری مرداد ماه به هیچ کدام از مطالبات آنان پاسخ داده نشده است.

تحرکات اعتراضی در میان کارگران نفت و مراکز وابسته به آن هر روز گسترده میشود، صدای اعتراض این کارگران را وسیع‌رسانه ای کنیم.

فضای پر از اعتراض در مراکز نفت

- کارگران پروژه ای جوشکار و فیتزر که از طرف فردی بنام بهنام لیموچی تحت عنوان اینکه قرار است با حقوق ۱۲ میلیون برای جوشکار و ۹

میلیون تومان برای کارگر فیتزر کار پیش راه اندازی به مدت چند ماه در شرکت جهان پارس در پالایشگاه مهران داشته باشند، به این شرکت مراجعه کرده اند. اما بعد مشخص شده است که زمان کار بسیار کوتاه و زیر یکماه است و محل آن در نقطه صفر مرزی عراق قرار دارد و حقوقها نیز به ده میلیون تومان و هفت میلیون تومان کاهش یافته و حتی حاضر به بستن قرارداد با سرپرست معمول شرکت با این کارگران نیستند. این کارگران اعلام کرده اند که اگر مطابق قول و قرار اولیه عمل نشود کار را ترک خواهند کرد. گفتنی است که لیموچی سرپرست پیش راه اندازی شرکت و دهکردی سرپرست کارگاه شرکت جهانپارس است که ۳۰ درصد سهام این شرکت را برای لابی گری و گرفتن امتیازات کاری به دولت واگذار کرده است و به این شکل با چاپیدن کارگران بساط مافیایی خود را پهن کرده اند.

- روز ۲۰ اسفند شماری از جوانان جویای کار و کارگران بیکار در اعتراض به پارتی بازی در استخدامها و با خواست اشتغال مقابل پتروشیمی گچساران تجمع کردند. تجمع در مقابل مراکز کاری در شهرهای مختلف یک شکل اعتراضی در میان کارگران بیکار است. همه افراد بدون درآمد و یا کم در آمد باید از مقرری ماهانه در حد زندگی قابل قبول برخوردار باشند. کارگران بیکار و آماده بکار اعم از زن و مرد باید بیمه بیکاری مکفی دریافت کنند. درمان و تحصیل رایگان و داشتن مسکن

پیش بسوی اعتصابات سراسری پیش بسوی ایجاد شوراها

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ اسفند ۱۳۹۹، ۱۱ مارس ۲۰۲۱

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

ادامه اطلاعیه های حزب

اخطار کارگران نیشکر هفت تپه به اعتصاب، و چند خبر دیگر

- بنا بر خبرهای منتشر شده از سوی کارگران نیشکر هفت تپه مدیریت به بهانه نزدیک شدن به پایان سال تصمیم به بیکارسازی تعدادی از کارگران به بهانه اتمام قراردادهای آنها دارد. بعلاوه اینکه قراردادهایی را که قرار بود دائمی باشد دارند به قراردادهای سه ماهه و یکماهه تبدیل میکنند. از سوی دیگر همانطور که قبلا گزارش کردیم آمیلی نماینده تام الاختیار کارفرما در شرکت توطئه اخراج ابراهیم عباسی را دیده و متن آنرا در واتساپ خودش انتشار داده است. این درحالیست که طبق توافقنامه سال ۹۸ بین کارگران و مقامات دولتی و امنیتی و اسدیگی که همگی آنرا امضا کرده اند، آنها اجازه اخراج هیچ کارگری را ندارند. اما کارگران متحدانه ایستاده و با اخطار اینکه عواقب اخراج همکارشان ابراهیم عباسی با خود مسئولین است، در تدارک اعتصاب دیگری هستند. کارگران هفت تپه اکنون با مبارزات خستگی ناپذیر خود پرداخت به موقع حقوقها را به مدیریت تحمیل کرده اند و اعلام کرده اند که قراردادهای باید فوراً تمدید شود و اجازه تغییر آن به قراردادهای کوتاه مدت سه ماهه را نخواهند داد و نخواهند گذاشت ابراهیم عباسی اخراج گردد. بعلاوه یک خواست فوری آنها بسته شدن تمامی پروندههای امنیتی تشکیل شده است.

- روز چهارشنبه ۲۰ اسفند سپیده قلیان خبرنگار جوانی که به جرم دفاع از کارگران نیشکر هفت تپه با ۵ سال حبس در زندان بسر میبرد از بند زنان زندان اوین با دست بند و پابند به زندان بوشهر منتقل شد. سپیده قلیان از تیرماه امسال در زندان است. یک خواست فوری کارگران نیشکر هفت تپه و همگان آزادی فوری و بدون قید و شرط وی و بسته شدن پرونده امنیتی او است. سپیده قلیان باید فوراً آزاد شود.

- روز ۲۲ اسفند کامیار فکور از بازداشت شدگان تجمع روز ۱۷ اسفند در مقابل وزارت کار در تماسی با خانواده اش

اعلام کرد که روز ۲۱ اسفند به او تفهیم "اتهام" شده و برایش قرار وثیقه ۲۰۰ میلیونی صادر گردیده است. کامیار فکور در تجمع روز ۱۷ اسفند که از سوی بازنشستگان تامین اجتماعی و گروههایی از کارگران، معلمان و فعالین اجتماعی با خواست محوری افزایش حقوقها به بالای ۱۲ میلیون بر پا شده بود، بازداشت شد. کامیار فکور باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شود و پرونده امنیتی وی مسدود گردد.

اعتراض کارگران فضای سبز بندرعباس، کارکنان سازمان آب اهواز و چند خبر دیگر

- روز ۲۰ اسفند کارگران حوزه فضای سبز بندرعباس، در اعتراض به کسر حقوق خود در برابر ساختمان سازمان سیما منظر و فضای سبز شهری بندرعباس، دست به تجمع اعتراضی زدند.

- روز ۲۰ اسفند آبداران استان کهگیلویه و بویراحمد در اعتراض به تعویق هشت ماهه مزد برای چندمین بار جلوی استانداری تجمع کردند.

- روز ۲۰ اسفند کارکنان سازمان آب اهواز در کنار شرکت آب و فاضلاب اهواز و استانداری خوزستان در اعتراض به حقوق معوقه خود و بیمه سنوات پارسال دست به تجمع زدند.

- روز ۱۹ اسفند چند صد نفر از کارکنان و نیروهای شرکتی و حجمی شرکت‌های توزیع نیروی برق سراسر کشور در اعتراض به نابرابری حقوق و مزایا مقابل مجلس اسلامی دست به تجمع اعتراضی زدند. این کارگران خواهان لغو قراردادهای پیمانی و استخدام رسمی هستند.

حذف آزمون تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی، همسان سازی حقوقها و حذف شرکت‌های پیمانی واسط تامین نیرو از مهمترین خواسته‌های این کارگران است. این کارگران قبلاً نیز در همین رابطه در ۱۴ اسفند تجمع داشتند. بنا بر خبر ده‌ها هزار نفر از کارکنان و نیروهای

فعالی شاغل در صنعت برق بصورت پیمانی کار میکنند و در استخدام رسمی دولت نیستند و شرایط حقوقی آنها با وظایف مشابه با نیروهای رسمی فاصله چند برابری دارد.

- روز ۱۹ اسفند کارکنان بیمارستان امام علی کرج در اعتراض به شرایط نامناسب کاری و عدم پرداخت موقوفات مزدی دست به تجمع زدند.

- روز ۱۹ اسفند کارگران شهرداری اهواز در ساختمان شورای اسلامی این شهر در اعتراض به تعویق پرداخت دستمزدها و قراردادهای موقت دست به تجمع زدند.

- روز ۱۹ اسفند سرکوبگران شهرداری در تبریز بساط دستفروشان را که در مقابل پاساژ مولوی مشغول کار بودند جمع کردند. در اعتراض به این تعرض وحشیانه دستفروشان به همراهی مردم و مغازه‌داران پاساژ مولانا به سمت فرمانداری تبریز تظاهرات کردند. در این حرکت اعتراضی ماموران انتظامی به مردم یورش برده و حداقل یک دستفروش را هم دستگیر کردند. دولت در قبال معیشت مردم مسئول است. همه افراد بدون درآمد و کم درآمد از جمله دستفروشان باید از پرداخت مقرری ماهانه در حد داشتن یک زندگی قابل قبول برخوردار باشند. درمان و تحصیل رایگان و داشتن مسکن حق مسلم همه مردم است. حزب کمونیست کارگری حملات سرکوبگران شهرداری به دستفروشان در تبریز را شدیداً محکوم کرده و بر گسترش مقابله مردمی با ماموران شهرداری در حمایت از این بخش از کارگران تاکید میکند.

شادباش هشت مارس توسط کارگران هفت تپه، اعتصاب درمتری تهران و اولتیماتوم کارگران راه آهن به اعتصاب و دو خبر دیگر

- کارگران نیشکر هفت تپه با انتشار پوستری هشت مارس روز جهانی زن را به همه زنان در

جهان شادباش گفتند. کارگران نیشکر هفت تپه به این ترتیب پیشگام گرامیداشت هشت مارس در محیط‌های کار شدند. زنده باد کارگران نیشکر هفت تپه.

- از روز ۱۷ اسفند کارگران شرکت تراورس شاغل در خط ۵ مترو اعم از واحد انتظامات نگهداری و بهسازی در اعتراض به پرداخت نشدن مزدشان از ماه ۸ تا ۱۲ و همچنین عیدی و بن کالا وارد اعتصاب شدند. این کارگران اعلام کرده اند که تا پرداخت شدن کامل مطالباتشان به اعتراض خود ادامه خواهند داد.

- روز ۱۷ اسفند کارگران راه آهن ورامین طی بیانیه ای اولتیماتوم دادند که اگر حقوق و عیدی آنها واریز نشود از سه شنبه ۱۹ اسفند وارد اعتصاب خواهند شد. در بخشی از بیانیه اعتراضی این کارگران چنین آمده است: "اگر قرار به پول ندادن هست آقایون لطف کنن به نیروهای اداریشن آماده باش بدن که تشریف بیارن تو گذرگاه‌ها، و قطارها رو رد کنن و طول خط رو هم نگهدارن". در همین روز کارگران شرکت تراورس لرستان و زاگرس در اعتراض به تعویق پرداخت سه ماهه مزد و عیدی آخر سال خود دست به اعتصاب زدند. ۶۰۰ کارگر در تراورس لرستان و حدود ۳۰۰ کارگر در تراورس زاگرس مشغول به کار هستند. جدا از پرداخت نشدن عیدی نیمه دوم سال جاری کارگران حق لباس و بن خود را نیز طلبکارند. کارگران راه آهن لرستان از روز شنبه ۱۶ اسفند وارد اعتصاب شده اند.

- روز ۱۷ اسفند جمعی از معلمان تازه استخدامی در اعتراض به میزان پایین حقوق خود، مقابل مجلس شورای اسلامی دست به تجمع زدند. این معلمان رتبه بندی‌ها را تبعیض آمیز دانسته و خواستار همسان سازی حقوق شدند.

گسترش اعتصابات در میان کارگران راه آهن

کارگران در بخشهای مختلف راه آهن با تاکید بر خواستههای خود در اعتصاب بسر میبرند. اعتراض به تعویق پرداخت

دستمزدها و عیدی پایان سال و قراردادهای موقت پیمانی و شرایط اسفناک کاری و معیشتی خواستههای اصلی کارگران راه آهن است. اخباری از این اعتصابات و اعتراضات را ملاحظه میکنید:

- روز سه شنبه ۱۹ اسفند اعتصاب کارگران خط و ابنیه فنی لرستان وارد چهارمین روز شد.

- صبح روز ۱۹ اسفند کارگران راه آهن ورامین بنا بر فراخوان قبلی دست به اعتصاب زدند. این کارگران تا امروز ۱۹ اسفند فرصت داده بودند که اگر مطالباتشان عملی نشود وارد اعتصاب خواهند شد. کارگران اولتیماتوم داده اند که چنانچه امروز عیدی آنها واریز نشود راهدارها امشب شیفت را تحویل نمیگیرند.

- روز ۱۹ اسفند کارگران راه آهن کرج در اعتراض به پرداخت نکردن چندین ماه بیمه و حقوق توسط مدیریت، دست به اعتصاب زدند. این کارگران طی اولتیماتومی به همه ارگانها از جمله فرمانداری و استانداری و امام جمعه هشدار داده بود که چنانچه مطالباتشان تا روز سه شنبه پرداخت نشود دست از کار کشیده و وارد اعتصاب خواهند شد. اعتصاب این کارگران امروز شروع شده و تا زمان تحقق خواستهها ادامه خواهد یافت.

- روز ۱۸ اسفند کارگران راه آهن نورآباد اراک بدلیل پرداخت نکردن حقوق و مزایا دست به اعتصاب زدند.

کارگران راه آهن تجربه درخشانی از برپایی اعتصابات سراسری دارند. فضای اعتراضی در میان این کارگران خصوصاً در این روزهای پایان سال زمینه برپایی اعتصاب سراسری دیگری را در میان این کارگران بوجود آورده است. یک ابزار مهم سازمانیابی چنین اعتراضاتی ایجاد شورای سراسری هماهنگی اعتصاب با استفاده از مدیای اجتماعی و دخالت فعال همه کارگران راه آهن در سطح سراسری است.

حزب کمونیست کارگری ایران ۲۰ اسفند ۱۳۹۹، ۱۰ مارس ۲۰۲۱